

GES	Journal of Geography and Environmental Studies, 13 (52), Winter 2024 https://sanad.iau.ir/journal/ges ISSN: 2008-7845 Doi: 10.71740/ges.2024.1127985
-----	--

Research Paper

Received: 02 August 2024

Revised: 04 September 2024

Accepted: 11 November 2024

Analysis and Interpretation of Factors Contributing to the Sense of Loneliness in the City of Isfahan¹

Farshad Tahmasebizadeh¹, Shirin Toghyani², Mahmood Mohammadi³

1. Ph.D. Student in Urban Planning, Department of Urban Planning, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

2. Assistant Professor, Department of Urban Planning, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

3. Associate Professor, Faculty of Art, University of Isfahan, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)
E-Mail: m.mohammadi4263@gmail.com.

Abstract

Loneliness is a form of suffering and pain that arises from a disruption in an individual's relationship with their environment and is one of the most significant challenges of the 21st century, greatly impacting mental health and quality of life. In the modern era, despite technological advancements and increased virtual communications, many individuals in cities experience feelings of loneliness and isolation. This feeling leads to depression, anxiety, and other mental and physical health issues. The urban space of Isfahan serves as the context and background for this research. The aim of this study is to analyze the factors creating a sense of loneliness in the city of Isfahan. In the analysis, Friedman's test and cluster analysis have been employed. The results of this research indicate that the factors creating a sense of loneliness in cities with desert ecosystems can be categorized into five main categories. The category of social deprivation includes lack of interactive opportunities, inequality in access to needs, lack of cohesion and disruption of social bonds due to a lack of sense of belonging and trust, psychological and emotional pressures leading to depression, anxiety, and stress resulting from modern urban life, lack of vibrant urban spaces with identity and lacking the possibility of self-actualization for residents, and challenges arising from modernity and socio-cultural changes resulting from immigration and tension between traditional and modern identities. To reduce the sense of loneliness in urban environments, comprehensive and multidimensional approaches that encompass social, cultural, and economic aspects as well as environmental, physical, and urban design dimensions should be considered.

Keywords: Loneliness, Urban Loneliness, Sense of Isolation, Isfahan.

Citation: Tahmasebizadeh, F.; Toghyani, Sh.; Mohammadi, M. (2024), Analysis and Interpretation of Factors Contributing to the Sense of Loneliness in the City of Isfahan, Journal of Geography and Environmental Studies, 13 (52), 68-93. Doi: 10.71740/ges.2024.1127985

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granded to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. **Publisher: Islamic Azad University of Najafabad**



1. This article is derived from the doctoral dissertation of Farshad Tahmasebizadeh entitled "Redefining Urban Planning Content to Enhance Social Livability in Confronting the Loneliness Crisis Case Study: Isfahan City" under the supervision of Dr. Shirin Toghyani and Dr. Mahmood Mohammadi at the Islamic Azad University, Najafabad Branch.

Doi: 10.71740/ges.2024.1127985

مقاله پژوهشی

تحلیل و تفسیر عوامل ایجاد کننده احساس تنهایی در شهر اصفهان^۱

فرشاد طهماسبی زاده^۱، شیرین طغیانی^۲، محمود محمدی^{۳*}

۱. دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۲. استادیار، گروه شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۳. دانشیار، دانشکده هنر، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

تنهایی نوعی احساس رنج و درد است که بر اثر اختلال در روابط فرد با محیط پدید می آید و یکی از مهمترین چالش های قرن ۲۱ است که تاثیر زیادی بر سلامت روان و کیفیت زندگی افراد می گذارد. در عصر مدرن با وجود پیشرفت فناوری و افزایش ارتباطات مجازی، بسیاری از افراد در شهرها احساس تنهایی و انزوا می کنند. این احساس منجر به افسردگی، اضطراب و سایر مشکلات روانی و جسمانی می شود. فضای شهری اصفهان به عنوان بستر و زمینه انجام این پژوهش است. هدف از این پژوهش تحلیل عوامل ایجاد کننده احساس تنهایی در شهر اصفهان است. در تجزیه و تحلیل از آزمون فریدمن و آزمون تحلیل خوشه ای استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که عوامل ایجاد کننده احساس تنهایی در شهرهای با بوم بیابانی را می توان در پنج مقوله اصلی دسته بندی نمود. مقوله محرومیت اجتماعی از جمله کمبود فرصت های تعاملی، نابرابری در دسترسی به نیازها، فقدان انسجام و گسست پیوندهای اجتماعی ناشی از عدم حس تعلق و اعتماد، فشارهای روانی-روحي منجر به افسردگی، اضطراب و استرس ناشی از زندگی شهری مدرن، کمبود فضاهای شهری پر نشاط، هویت مند و فاقد امکان خودشکوفایی برای ساکنان، و چالش های ناشی از مدرنیته و تغییرات اجتماعی-فرهنگی ناشی از مهاجرت پذیری و تنش میان هویت سنتی و مدرن می باشد. برای کاهش احساس تنهایی در محیط های شهری، رویکردهای جامع و چندبعدی که هم جنبه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و هم ابعاد محیطی، کالبدی و طراحی شهری را در بر می گیرد، باید مورد توجه قرار گیرد.

کلمات کلیدی: تنهایی، تنهایی شهری، احساس تنهایی، اصفهان.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۵/۱۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۱

نویسنده مسئول: محمود محمدی، دانشیار، دانشکده هنر، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. m.mohammadi4263@gmail.com

نحوه ارجاع به مقاله:

طهماسبی زاده، فرشاد؛ طغیانی، شیرین؛ محمدی، محمود (۱۴۰۳)، تحلیل و تفسیر عوامل ایجاد کننده احساس تنهایی در شهر اصفهان، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱۳

Doi: 10.71740/ges.2024.1127985. ۶۸-۹۳، (۵۲)

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. **Publisher: Islamic Azad University of Najafabad**



۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری فرشاد طهماسبی زاده با عنوان "بازتعریف محتوایی برنامه ریزی شهری به منظور ارتقا زیست پذیری اجتماعی در مقابله با بحران تنهایی

مورد پژوهی: شهر اصفهان" با راهنمایی خانم دکتر شیرین طغیانی و آقای دکتر محمود محمدی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد است.

۱ مقدمه

۱-۱ طرح مسئله

انسان‌ها موجوداتی اجتماعی هستند و به یکدیگر متکی و وابسته می‌باشند (Axelrod & Hamilton, 1981؛ Baumeister & Leary, 1995). روابط بین فردی از قوی‌ترین منابع برای رفاه و سلامتی آنها به شمار می‌رود (Baumeister & Leary, 1995؛ S. Cohen, 2004؛ Hartup & Stevens, 1997؛ House et al., 1988). زمانی که روابط بین فردی از لحاظ کمی (مانند اندازه شبکه، تعداد دوستان) و/یا کیفی (مانند نزدیکی رابطه، اعتماد، صمیمیت) ناکافی تلقی شوند، افراد احساس تنهایی می‌کنند (Ernst & Perlman & Peplau, 1981؛ Cacioppo, 1999).

تنهایی یک تجربه ذهنی است که هم جنبه اجتماعی و هم جنبه عاطفی را در بر می‌گیرد. از فقدان روابط اجتماعی و عواطف درک شده فرد سرچشمه می‌گیرد و باعث ایجاد یک تجربه عاطفی ناخوشایند، از جمله احساس انزوای اجتماعی می‌شود (Berg-Weger (2021؛ Chow, Wong, & Choi, 2021؛ Morley & تنهایی با تعداد زیادی از اختلالات ارگانیک و روانی همراه است. عمدتاً با آسیب‌شناسی‌های مربوط به محور هیپوتالاموس-هیپوفیز-آدرنال، تحریک بیش از حد، خطرات قلبی عروقی، فشار خون بالا، کلسترول بالا، اختلالات خواب، میگرن، عملکرد سیستم ایمنی، اثرات بر رونویسی برخی از ژن‌ها و غیره مرتبط است (Holt-Lunstad, Smith, Baker, Harris, & Stephenson, 2015). بلکه با افزایش خطر مرگ و میر نیز همراه است (Holt-Lunstad, Smith, Baker, Harris, & Stephenson, 2015). و به عنوان عامل خطر برای اختلال شناختی و زوال عقل نیز شناخته می‌شود (Bones Rocha, Pérez, Rodríguez-Sanz, Borrell, & Obiols, 2010). در مورد سلامت روان نیز تنهایی، با افسردگی، اضطراب، عزت نفس پایین، بی‌ثباتی عاطفی، افکار منفی نسبت به خود و غیره همراه بوده است. همچنین با ویژگی‌های شخصیتی خاصی مانند خجالتی بودن، کاهش اجتماع‌پذیری یا رفتارهای اجتنابی نیز همراه است (Ausín et al., 2017؛ Cacioppo et al., 2010؛ Martín-María et al., 2020). به طور کلی تنهایی یک سازه چند بعدی است که با متغیرهای متعددی همراه است. این متغیرها عینی (سلامت جسمی، متغیرهای جامعه شناختی مانند زندگی به تنهایی و غیره) و ذهنی (یعنی ارزیابی ذهنی، مانند سلامت روان، به ویژه افسردگی، اضطراب، کیفیت زندگی و غیره) هستند.

انسان امروزه در عصر تنهایی زندگی می‌کند و گرفتار اپیدمی تنهایی شده است. (اسوسن ۱۳۹۸، ۸) تنهایی یک نگرانی در رابطه با بهداشت عمومی است و به عنوان یک مشکل جدی شناخته شده است، در طول همه‌گیری اخیر کووید-۱۹ بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، زیرا مردم برای مدت طولانی در خانه‌های خود محبوس بودند و نمی‌توانستند مانند گذشته زندگی اجتماعی خود را دنبال کنند. یک متاآنالیز اخیر از شیوع تنهایی در ۱۱۳ کشور استدلال می‌کند که 'تنهایی در سطح مشکل ساز یک تجربه رایج در سراسر جهان است' (Surkalim et al., 2022). تنهایی پدیده‌ای است که در کشورهای توسعه‌یافته به صورت روزافزون مورد توجه قرار گرفته است. این نگرانی باعث افزایش تمایل به مطالعه آن شده است، به ویژه در شهرهای بزرگ با تراکم جمعیت بالا، که در آن منابع بیشتری به برنامه‌های خاص برای کاهش اثرات تنهایی اختصاص می‌یابد. به عبارت دیگر بیشتر مطالعات در کشورهای توسعه‌یافته انجام شده و شواهد اندکی در زمینه عوامل محیطی مرتبط با تنهایی در کشورهای در حال توسعه وجود دارد. از این رو، نیاز به مطالعات بیشتر در زمینه بررسی جامع عوامل محیطی مؤثر بر تنهایی در متن‌های مختلف فرهنگی-اجتماعی و محیطی احساس می‌شود.

موضوع تنهایی در حال حاضر به دلیل تأثیرات تنهایی بر سلامت فردی و اجتماعی، بر رفاه مردم و ارتباط آن با شبکه‌های حمایتی اجتماعی، متخصصان حوزه‌های مختلف (بهداشت، جامعه‌شناسی و ...) و حتی مقامات سیاسی را درگیر خود کرده است، (Sheldon, 1948) انگلستان اولین وزیر در جهان را برای تنهایی منصوب کرد، در استرالیا، فیونا پاتن، نماینده ایالت ویکتوریا، خواستار همین امر است. اندرو گیلز، نماینده فدرال، پاسخ به تنهایی را به عنوان مسئولیت دولت می‌داند. یک نظرسنجی در سال ۲۰۱۰ از سوی آمار نیوزلند نشان می‌دهد که ۳۳ درصد از افراد بالای ۱۵ سال در چهار هفته قبل از نظرسنجی احساس تنهایی کرده‌اند. در بریتانیا، شیوع تنهایی برای افرادی که اغلب احساس تنهایی می‌کنند بین ۵ تا ۶ درصد تخمین زده می‌شود و برای افرادی که «گاهی اوقات» احساس تنهایی می‌کنند، ۲۱ درصد تا ۳۱ درصد برآورد شد (Victor & Yang, 2012)، و طبق یک نظرسنجی آنلاین که در مارس ۲۰۱۰ انجام شد نرخ شیوع ۴۵ درصد در سراسر بریتانیا گزارش شده است، (Griffin, 2010). در ژاپن، در سال ۲۰۲۱، حدود ۱۰ میلیون نفر گزارش داده‌اند که به طور مداوم احساس تنهایی می‌کنند که این رقم ۲ برابر بیشتر از ۱۰ سال قبل آن است (NHK 2021) با افزایش شیوع تنهایی، شواهدی به دست می‌آید که تنهایی یک عامل خطر عمده برای پیامدهای بد سلامت جسمی و روانی است. به گونه‌ای که پیپلا^۱ بیان می‌کند که تنهایی شایع‌تر از سرماخوردگی در دنیای مدرن است. (Peplau, 1988) ادموند برک تنهایی مطلق را بالاترین درد اجتماعی می‌داند که در محیله آدم می‌گنجد چون زیست در چنان شرایطی باهدف زندگی در تضاد است. (Smith 1976, 110) جان لاک نیز تنهایی را حالتی غیرطبیعی می‌داند که با طبیعت و ذات انسان که اجتماعی است در تضاد است (Smith 1976, 153). در ایجاد احساس تنهایی محققان بر نقش عواملی چون وضعیت اقتصادی-اجتماعی (Holt-Lunstad, et al. 2015)، میزان مشارکت اجتماعی (Hawkey, et al. 2008) و حمایت اجتماعی درک شده (Beller and Wagner 2018) تأکید کرده‌اند. همچنین کیفیت مسکن، الگوهای طراحی شهری، دسترسی به فضاهای عمومی و امکانات رفاهی بر احساس تنهایی تأثیر دارند (Evans 2003, 89) برخی مطالعات تفاوت‌های فرهنگی را در تجربه تنهایی موثر دانسته‌اند (Rokach and Bacanli 2001). حوزه‌های مختلف از جمله روان‌شناسی محیط، جامعه‌شناسی شهری و علوم اجتماعی احساس تنهایی را مطالعه کرده‌اند در مجموع، شواهد نشان می‌دهد که احساس تنهایی پدیده‌ای چندبعدی است و درک جامع آن، نیازمند مطالعات بین‌رشته‌ای با در نظر گرفتن طیف وسیعی از عوامل در سطوح فردی و محیطی است (Peplau and Perlman 1982).

پژوهش‌های انجام شده زمینه‌های روانی، جسمی، سنی، شرایط زندگی فردی و اجتماعی را به عنوان عامل ایجاد تنهایی مطالعه کرده‌اند. توسعه مقیاس اندازه‌گیری تنهایی، به نام مقیاس تنهایی UCLA، در سال ۱۹۷۸ توسط راسل و همکاران. (Russell, et al 1978) و تجدید نظر آن در سال ۱۹۸۰، همراه با مقیاس‌های دیگر، این امکان را فراهم کرد تا مطالعات دقیق بیشتری در مورد تنهایی انجام شود و آنها بتوانند تنهایی را به عنوان یک موجودیت خاص خود متمایز از سایر ساختارهای مفهومی مرتبط متمایز کنند. (Qualter, et al 2002) وجه مشترک تمامی مطالعات تنهایی این است که آن را یک پدیده متمایز برای خود نمی‌دانند، و آن را به عنوان بخشی از یک طیف غیر قابل تشخیص از احساسات توصیف می‌کنند. در مطالعات پیشین شرایط خاص محیطی و زندگی در فضای شهر به عنوان عامل تأثیر گذار در ایجاد تنهایی کمتر مورد توجه بوده است. این مطالعه بر آن است تا عوامل ایجاد و تشدید احساس تنهایی را در فضای شهری مطالعه کند.

اصفهان شهری در پهنه بیابان مرکزی ایران است. این شهر با میانگین بارندگی سالانه کمتر از ۱۲۰ میلی متر و دمای تابستانی بالای ۳۵ درجه سانتیگراد، به واقع در یکی از خشک‌ترین مناطق کشور واقع شده است. اصفهان سومین شهر پرجمعیت ایران است که

در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ جمعیت آن از ۲۵۴۷۰۸ تن به ۱۹۶۱۲۶۰ تن با نرخ ۳.۴۶ در سال رشد داشته است. (مرکز آمار ایران ۱۳۹۵) رشد شتابان جمعیت در این شهر باعث شده است که به صورت افقی روستاها، شهرها و اراضی کشاورزی و باغی پیرامون را در دل خود هضم کند. در نتیجه حاشیه‌نشینی، پایین بودن سطح خدمات، نابرابری و دوگانگی و مسائل بسیاری دیگر در آن شکل گیرد. بافت مرکز شهر با وجود ساکنان بومی در نتیجه دگرگونی شبکه معابر از هم گسیخته شد، مهاجران بسیاری وارد شهر شده و سکونتگاه غیررسمی شکل گرفته است، شهر و شهرک‌های جدید پیوسته در محدوده آن برنامه‌ریزی و ساخته شد. روستای متصل شده به شهر هویت خود را از دست دادند. توالی و تسلسل اکولوژیکی در شش دهه اخیر در اصفهان به وجود آمده است. میانه سنی جمعیت به ۳۳.۲ و میزان امید به زندگی به ۷۶.۲ سال افزایش یافته است. سازمان و بافت محله‌ای از هم گسسته شده است، آپارتمان سازی و بلندمرتبه‌سازی جایگزین الگوی سنتی مسکن در اصفهان شده است. بررسی آینده جمعیت نشان می‌دهد که در ۳۰ سال آینده ۲۵ درصد از جمعیت این شهر سالخورده و ۴۵ درصد نیز غیرفعال خواهد بود. (مرکز آمار ایران ۱۳۹۵) تغییرات وسیع در ساختار و ترکیب جمعیت، تحول در سبک زندگی، افزایش امید به زندگی، کاهش میزان ازدواج، افزایش میزان طلاق، از بین رفتن سازمان فضایی محله‌های شهری، کمبود خدمات و فضاهای عمومی و عرصه‌های اجتماعی در شهر و محله‌ها، کمبود وقت برای گذراندن فراغت، حاشیه‌نشینی و سکونتگاه غیررسمی و بسیاری دگرگونی‌های دیگر در اصفهان ایجاد شده است. در نتیجه این دگرگونی‌ها زیست‌پذیری اجتماعی شهر تحت تأثیر بحران تنهایی برآمده از محیط شهر از هم گسسته شده است. بنابراین این پژوهش بر آن است تا در فضای شهر اصفهان عوامل ایجاد احساس تنهایی را شناسایی و تفسیر کند. فضای شهری اصفهان بستر و زمینه برای انجام پژوهش است. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل و تفسیر عوامل محیطی است که در کلانشهرهای با اقلیم بیابانی، نقش مؤثری در ایجاد یا تشدید احساس تنهایی ایفا می‌کنند. و پرسش اصلی آن است که در شهر اصفهان چه عواملی محیطی باعث یا تشدید کننده احساس تنهایی هستند؟

۲. پیشینه و چارچوب نظری

۲-۱. پیشینه

از دهه آخر قرن بیستم مطالعاتی در زمینه‌ی جنبه‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی تنهایی انجام گردید. اما از سال ۲۰۰۸، که بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرها ساکن شدند تعداد مطالعات بیشتر بیشتر شد اما در سال‌های اخیر با شیوع کرونا و تأثیر آن بر انزوای اجتماعی در سراسر دنیا مطالعات تنهایی رواج بیشتری یافته است. در جدول و شکل زیر پیشینه پژوهش براساس مطالعات خارجی و داخلی ارایه شده است:

جدول (۱): پیشینه پژوهش

سال	پژوهشگر-ان	عنوان	نتیجه
۲۰۲۴	لاول ساکس و همکاران ^۱	ارتباط از طریق طبیعت: بررسی سیستماتیک اثربخشی شیوه‌های تجویز اجتماعی مبتنی بر طبیعت برای مبارزه با تنهایی	نتایج نشان می‌دهد که فعالیت‌های گروهی در طبیعت، حس تعلق و پیوند اجتماعی را تقویت کرده و به‌ویژه در دوره‌های طولانی مدت مؤثرتر هستند. برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری توصیه می‌شود که از این نوع مداخلات برای بهبود سلامت عمومی و افزایش ارزش طبیعت شهری استفاده کنند.

۲۰۲۴	مارسیالی ^۱ و همکاران	کاهش تنهایی و انزوای اجتماعی سالمندان از طریق دستیاران صوتی: مرور ادبیات و تحلیل کتاب‌سنجی	پژوهش‌هایی که به‌طور مستقیم تأثیر استفاده از دستیارهای مجازی بر انزوای اجتماعی و احساس تنهایی در سالمندان را بررسی می‌کنند، نتایج مثبت و امیدوارکننده‌ای نشان می‌دهند. این مطالعات اطلاعات مهمی را برای پژوهش‌های آتی، مداخلات و توسعه سیاست‌ها در حوزه مراقبت‌های سالمندی و فناوری ارائه می‌دهند.
۲۰۲۲	گوتمولر و همکاران	تنهایی در میان افراد مسن در اروپا: اهمیت نسبی شرایط اولیه و بعدی زندگی	این مقاله با هدف مطالعه عوامل تعیین‌کننده تنهایی در افراد مسن در اروپا انجام شد. به‌طور خاص، بررسی کرد که آیا شرایط دوران کودکی به‌طور قابل توجهی با تنهایی در سنین بالاتر مرتبط است یا خیر. تجزیه و تحلیلی در مورد تنهایی در ۱۷ کشور در اروپا انجام شد. تجزیه و تحلیل ارتباط معناداری بین شرایط زندگی در دوران کودکی و احساس تنهایی در سنین بالاتر نشان داد.
۲۰۱۹	جینگ جینگ، دیوید کانتر و تیگران هاس ^۲	بررسی فضای عمومی با استفاده از یک ماموریت گروه‌بندی چندگانه - بررسی رابطه بین تنهایی و فضای عمومی	این پژوهش به بررسی درک فضای عمومی و پتانسیل آن برای افراد آسیب‌پذیر به تنهایی پرداخته است. نتایج نشان داد که افراد فضای عمومی را در زمان تنهایی به‌طور متفاوتی مفهوم‌سازی می‌کنند و فضاها بر اساس ویژگی‌هایی مانند "سخت"، "نرم" یا "بسته" دسته‌بندی می‌شوند. این یافته‌ها بر لزوم طراحی فضاهای عمومی متناسب با نیازهای افراد آسیب‌پذیر تأکید دارند.
۲۰۱۹	جی هی لی، تک هون تان ^۳	قابلیت پیاده روی محله یا مکان‌های سوم؟ عوامل تعیین‌کننده حمایت اجتماعی و تنهایی در بزرگ‌سالان مسن	این پژوهش اثر قابلیت پیاده‌روی محله و مکان‌های سوم بر ارتباط اجتماعی بزرگ‌سالان بالای ۶۵ سال را در شهرهای کالج آمریکا بررسی کرده است. نتایج نشان داد مکان‌های سوم تأثیر مثبتی بر شبکه حمایت اجتماعی افراد مسن دارند، اما با احساس تنهایی ارتباطی ندارند. همچنین، دسترسی محله (عینی و درک‌شده) تأثیری بر شبکه حمایت اجتماعی یا تنهایی نشان نداد. این یافته‌ها بر ضرورت طراحی مکان‌های سوم برای ارتقای زندگی فعال تأکید دارند.
۲۰۱۹	مگدالنا ^۴ و همکاران	آیا فعالیت بدنی، انسجام اجتماعی و تنهایی ارتباط بین زمان بازدید شده از فضای سبز و بهداشت روان را به‌صورت میانجی بیان می‌کنند؟	هدف از این مطالعه بررسی رابطه فعالیت جسمانی، انسجام اجتماعی و تنهایی در ارتباط بین زمان صرف برای بازدید از فضاهای سبز و درک سلامت روان و سرزندگی است. نتایج نشان داد که بین زمان صرف‌شده برای بازدید از فضای سبز و پیامد درمانی، سلامت روان و نمره سرزندگی رابطه مثبت وجود دارد. تجزیه و تحلیل میانجی‌گری نشان داد که شاخص‌های مختلف فعالیت جسمانی (کل، در طول اوقات فراغت)، انسجام اجتماعی و تنهایی میانجی‌گری بودند. بررسی‌های میانجی‌گری متعدد نشان داد که فعالیت بدنی در طول اوقات فراغت و تنهایی ممکن است حدود ۲۵ درصد از رابطه را تبیین کند.
۲۰۱۰	تیان شیائومینگ ^۵	تنهایی: یک نقطه عطف روان‌شناختی در بازسازی نظم شهری در چین	یافته‌ها نشان می‌دهد مدرنیته در چین باعث افزایش تنهایی شده و این وضعیت با سایر جوامع شهری جهان مشابه است. پژوهش بر ضرورت بازنگری در ساختار نظم شهری برای کاهش اثرات تنهایی تأکید دارد.

1. Marziali
2. Jing Jing , David Canter and Tigran Haas
3. Ji Hei Lee, Teck Hong Tan
4. Magdalena
5. Tian Xiaoming

۲۰۰۸	توماس شارف ، جنی دی جونگ گیرولد ^۱	تنهایی در محله‌های شهری: مقایسه انگلیس و هلند	نتایج نشان داد ۹۵ درصد از شرکت کنندگان در انگلستان احساس تنهایی شدید داشتند، درحالی که این نسبت در هلند تنها ۴ درصد بود. همچنین، میانگین نمرات تنهایی و کیفیت ارزیابی محله مسکونی در هر دو کشور تفاوت و واریانس قابل توجهی داشت.
۱۴۰۲	مقیم و همکاران	ساخت و رواسازی پرسشنامه احساس تنهایی در بین زنان ایرانی (مطالعه موردی زنان شهر تهران)	این پژوهش با هدف طراحی و اعتبارسنجی پرسشنامه احساس تنهایی در زنان ایرانی (مورد مطالعه: زنان شهر تهران) انجام شد. پرسشنامه شامل ۱۳ گویه و سه عامل اصلی (تنهایی خانوادگی، فردی و اجتماعی) بود که از اعتبار و پایایی مناسبی برخوردار است. تحلیل عاملی تأییدی نیز مدل سه عاملی را تأیید کرد.
۱۳۹۹	ابراهیمی و همکاران	عوامل و زمینه‌های احساس تنهایی زنان (یک مطالعه پدیدارشناسی)	این پژوهش به شناسایی عوامل و زمینه‌های احساس تنهایی زنان در شیراز پرداخته است. با استفاده از روش کیفی پدیدارشناسی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، یافته‌ها در ۱۱ مضمون اصلی و ۳۸ مضمون فرعی دسته‌بندی شدند. عوامل اصلی شامل ناهمخوانی با همسر، عدم مهارت‌های ارتباطی، فقدان حمایت و ضعف همدلی بودند. زمینه‌های تنهایی نیز شامل خانواده نامتعادل، مشکلات خلقی، عزت نفس ضعیف و سایر عوامل شناسایی شد.
۱۳۹۸	ایمان‌زاده و علی پور	تجربه زیسته کودکان کار شهر تبریز از احساس تنهایی؛ مطالعه به روش پدیدار شناختی	این پژوهش به واکاوی تجربه‌های کودکان کار از احساس تنهایی با روش کیفی پدیدارشناسی و مصاحبه ژرف‌نگر با ۱۵ نفر انجام شد. یافته‌ها شامل چهار مضمون اصلی «احساسات ادراک‌شده»، «انواع احساس تنهایی»، «پیامدهای احساس تنهایی» و «راه‌های غلبه بر آن» بود. کودکان کار به‌ویژه با تنهایی اگزستانسیال، احساس بی‌معنایی، ناامیدی و رهاشدگی مواجه بودند.
۱۳۹۴	کانتری و آرانی	شهر و روابط اجتماعی: بررسی ارتباط میان میزان انزوای اجتماعی و سطح حمایتی اجتماعی دریافتی با میزان تجربه ی احساس تنهایی (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی) (مقاله علمی وزارت علوم)	یافته‌ها نشان می‌دهند که با افزایش میزان انزوای اجتماعی عینی، بر سطوح تجربه‌ی احساس تنهایی ذهنی افزوده می‌گردد و نتایج تحلیل رگرسیونی چند متغیره‌ی عوامل مؤثر بر احساس تنهایی نیز بیانگر آن است که متغیر روابط خانوادگی بیشترین تأثیر مستقیم را بر احساس تنهایی بر جای می‌گذارد.
۱۳۹۱	سودانی و همکاران	اثربخشی معنا درمانی گروهی بر احساس تنهایی مردان بازنشسته (مقاله علمی وزارت علوم)	نتایج نشان داد که معنا درمانی گروهی به‌طور معناداری احساس تنهایی گروه آزمایش را نسبت به گروه گواه کاهش داد ($p < 0.05$). این کاهش در مرحله پس‌آزمون مشاهده شد و در مرحله پیگیری نیز پایدار ماند. نتایج بیانگر اثربخشی و تداوم تأثیر معنا درمانی گروهی بر کاهش احساس تنهایی بازنشستگان است.

روند رشد مطالعات و تحقیقات در زمینه تنهایی را از دهه ۱۹۵۰ تا به امروز در شکل ۱ ارایه شده است چند نکته کلیدی از این نمودار قابل استنباط است:

✓ **رشد تدریجی اولیه:** از دهه ۱۹۵۰ تا اواخر دهه ۱۹۹۰، تعداد انتشارات و ارجاعات در این حوزه به آرامی و به صورت تدریجی افزایش یافته است.

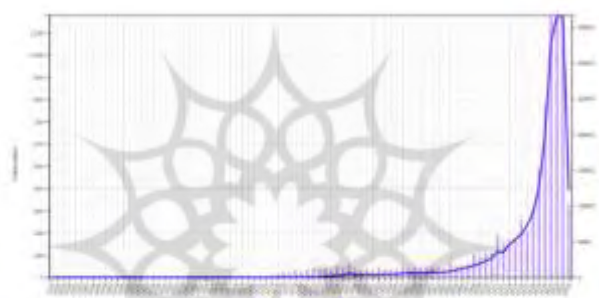
✓ **شتاب گرفتن رشد:** از اوایل دهه ۲۰۰۰، رشد مطالعات در این زمینه شتاب بیشتری گرفته و تعداد انتشارات و ارجاعات به طور قابل توجهی افزایش یافته است.

✓ **افزایش چشمگیر در سال‌های اخیر:** در دهه ۲۰۱۰ و به خصوص از ۲۰۱۵ به بعد، رشد مطالعات در این حوزه به صورت نمایی افزایش یافته است. این نشان‌دهنده توجه فزاینده جامعه علمی به موضوع تنهایی است.

✓ **اوج در سال‌های اخیر:** نمودار در سال‌های اخیر به اوج خود رسیده است، که نشان می‌دهد تنهایی به یک موضوع بسیار مهم و مورد توجه در تحقیقات علمی تبدیل شده است.

✓ **همبستگی انتشارات و ارجاعات:** افزایش تعداد انتشارات (نمودار ستونی بنفش) با افزایش تعداد ارجاعات (خط آبی) همراه بوده است، که نشان‌دهنده تأثیر و اهمیت فزاینده این مطالعات است.

این روند نشان‌دهنده افزایش توجه پژوهشگران دنیا نسبت به اهمیت مسئله تنهایی و همچنین پیشرفت در روش‌های مطالعه و درک این پدیده باشد.



شکل (۱): روند مطالعات حوزه تنهایی

ماخذ: web of Science

مطالعاتی که در ایران و خارج انجام شده است تنهایی را بر اساس جنبه‌های درونی، فردی، زمینه‌ای و احساسات شخصی، مرحله زندگی و سبک زندگی انسانی بررسی نموده‌اند. مطالعاتی که در زمینه تأثیر و رابطه مکان و محیط با تنهایی انجام شده است بیشتر بر تفاوت مکانی تنهایی در شهر با روستا یا محله‌های مختلف بوده است. اما عوامل محیطی و پیرامونی که در فضای شهر منجر و تشدید کننده احساس تنهایی هستند مطالعه نشده است. با توجه به این که انسان در محیط شهر در ارتباط متقابل به هر آن چیزی است که در پیرامون و محیط قرار گرفته است پس این پژوهش بر آن است تا محیط شهر را به عنوان عامل تأثیرگذار در تنهایی بررسی و تحلیل نماید.

۲-۲ چارچوب نظری

تنهایی^۱

احساس تنهایی موقعیتی است که در آن فرد فقدان یا کمبود ارتباط خود با دیگران را ادراک، تجربه و ارزیابی می‌کند. (De Jong- Gierveld and Raadschelders 1982) تنهایی تجربه‌ای ناخوشایند است و زمانی رخ می‌دهد که شبکه روابط اجتماعی فرد از نظر کمی و کیفی دچار کمبود باشد. تنهایی حالتی است که فرد، روابط خاص را به شکلی ناخوشایند و غیرقابل پذیرش تجربه می‌کند. (de Jong Gierveld 1998, 74-75). تنهایی به عنوان حالت عاطفی، ذهنی و دردناکی تعریف شده است، زمانی رخ می‌دهد که

بین الگوهای مورد نظر و به دست آمده یک فرد از تعامل اجتماعی ناسازگاری وجود داشته باشد (Hawkey & Cacioppo, 2010). به طور کلی مفهوم تنهایی یک ساختار روانشناختی چند بعدی است که معمولاً به عنوان یک تجربه ناخوشایند ناشی از تضاد بین انتظارات و روابط اجتماعی واقعی یک فرد در نظر گرفته می شود (دی جونگ گیرولد، ۱۹۸۷).

تنهایی محیطی و شهر^۱

تنهایی محیطی و ارتباط آن با طراحی شهری و محیط ساخته شده، موضوع مهمی در مطالعات شهری و روانشناسی محیطی است. رویکردها و نظریه های متعددی در این زمینه وجود دارد که به بررسی این ارتباط می پردازند. از جمله نظریه پردازان برجسته در این حوزه می توان به رابرت گیتلمن (Gehtman, 1965) اشاره کرد که معتقد بود طراحی شهری مدرن که بر جدایی فضاهای کار، زندگی و تفریح تمرکز دارد، منجر به کاهش تعامل اجتماعی و افزایش احساس تنهایی می شود. همچنین، نظریه "فضای زندگی" از والتر بنیامین (Benjamin, 1969) بر این باور بود که ویژگی های فضاهای شهری مدرن مانند ازدحام جمعیت و سرعت زندگی، می تواند احساس انزوا و تنهایی را در افراد تقویت کند. مطالعات اخیر نیز نشان می دهند که ویژگی های محیطی مانند تراکم جمعیت کم، دسترسی محدود به امکانات عمومی و فضاهای اجتماعی، و طراحی شهری متمرکز بر حمل و نقل خصوصی، می تواند با افزایش احساس تنهایی در شهرها همراه باشد (Kessel et al., 2018; Cauter & Lefebvre, 2020). نظریه محیطی نیز بر نقش عوامل کالبدی، منظر و معماری محیط شهر در احساس تنهایی تأکید دارد (Evans 2003). در نهایت، این نظریه ها و یافته ها بر لزوم توجه بیشتر به نقش محیط ساخته شده و طراحی شهری در مدیریت احساس تنهایی در شهرها تأکید می کنند و نشان می دهند که برنامه ریزی و طراحی شهری ابزاری مهم در مقابله با این پدیده است.

نظریه بوم شناختی برون فبرنر^۲ و احساس تنهایی

نظریه بوم شناختی برون فبرنر یکی از مهم ترین نظریه ها در حوزه رشد و توسعه انسان است که بر تأثیر محیط بر رشد فرد تأکید می کند. برون فبرنر معتقد است که فرد در خلاء رشد نمی کند، بلکه در یک سیستم پیچیده از محیط های هم مرکز قرار دارد که بر رشد او تأثیر می گذارند. برون فبرنر محیط را به پنج سطح تقسیم می کند:

۱. **میکروسیستم^۳**: نزدیک ترین محیط به فرد است و شامل خانواده، مدرسه، گروه همسالان و سایر گروه های کوچک است که فرد به طور مستقیم با آنها تعامل دارد.

۲. **مزوسystem^۴**: ارتباط بین دو یا چند میکروسیستم را توصیف می کند. به عنوان مثال، ارتباط بین خانواده و مدرسه، یا بین مدرسه و گروه همسالان.

۳. **اکزوسystem^۵**: ساختارهای اجتماعی بزرگ تری هستند که فرد به طور مستقیم در آنها شرکت نمی کند، اما بر او تأثیر می گذارند. مانند محیط کار والدین، سیاست های دولت یا رسانه ها.

۴. **ماکروسیستم^۶**: شامل فرهنگ، ارزش ها، قوانین و باورهای جامعه است که بر تمام سطوح دیگر تأثیر می گذارد.

1. Environmental Loneliness and the City
2. Bronfenbrenner
3. Microsystem
4. Mesosystem
5. Exosystem
6. Macrosystem

۵. **کرونوسیستم^۱**: این سیستم به عنوان لایه‌ای فراگیر در نظر گرفته می‌شود که تمام سیستم‌های دیگر را در بر می‌گیرد. کرونوسیستم نشان می‌دهد که محیط اطراف ما دائماً در حال تغییر در زمینه محیطی، اجتماعی و تاریخی است و این تغییرات بر زندگی و رشد ما تأثیر می‌گذارند. (Bronfenbrenner 1979)

نظریه بوم‌شناختی برونفنبرنر یک چارچوب جامع و سیستماتیک برای درک چگونگی تأثیر محیط‌های مختلف بر توسعه فردی ارائه می‌دهد. براساس این نظریه نشان می‌دهد که تنهایی نه تنها یک تجربه فردی است، بلکه تحت تأثیر سیستم‌های پیچیده‌ای از روابط محیطی و اجتماعی قرار دارد. در رابطه با تنهایی شهری، این نظریه نشان می‌دهد چگونه فشارهای محیطی می‌توانند منجر به انزوا و تنهایی می‌شوند. از این رو، مداخله‌های مؤثر برای کاهش تنهایی باید به بررسی و اصلاح این سیستم‌ها بپردازند تا حمایت اجتماعی و محیط‌های سالم‌تری برای افراد فراهم کنند.

شاخص‌های تنهایی شهری^۲

شاخص‌های تبیین‌کننده و تأثیرگذار بر ایجاد یا تشدید احساس تنهایی در فضای شهر دارای ماهیت بین‌رشته‌ای هستند، به منظور شناسایی شاخص‌ها و معیارهای احساس تنهایی در فضای شهر، از منابع معتبر علمی مانند مقالات منتشر شده در مجلات علمی معتبر، کتاب‌ها، گزارش‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌ها استفاده شده است.

در گام نخست این پژوهش، با انجام مرور جامع پیشینه تحقیق و بررسی دقیق پایگاه‌های داده علمی معتبر، شاخص‌های مرتبط با موضوع مورد مطالعه شناسایی شدند و براساس نظریه حاکم بر پژوهش سازگاری آنها ارزیابی گردید. سپس، این شاخص‌ها توسط گروهی از متخصصان و صاحب‌نظران حوزه تنهایی و شهر مورد پالایش قرار گرفتند. معیارهای اصلی برای ارزیابی و پالایش شاخص‌ها شامل: تناسب شاخص با مقیاس و سطح پژوهش، وضوح و شفافیت مفهومی، عدم وجود همبستگی قوی میان شاخص‌ها، و حداکثر تمایز بین آنها بود. در نتیجه این فرآیند، شاخص‌های نامناسب و دارای همبستگی بالا حذف شدند و شاخص‌های باقی‌مانده که واجد شرایط لازم تشخیص داده شدند، به عنوان متغیرهای مناسب برای تحلیل نهایی انتخاب گردیدند. فهرست نهایی شاخص‌های شناسایی شده در جدول زیر ارائه شده است:

جدول (۲): شاخص‌های تنهایی شهری

شاخص‌ها		شاخص‌ها	
رفرنس	شاخص	رفرنس	شاخص
کیم و پارک. (۲۰۲۱)	از بین رفتن ارتباط فرد با فرهنگ سنتی	لی و پارک. (۲۰۲۰) دیویس و همکاران (۲۰۲۰)	دسترسی نامناسب به اماکن تفریحی و ورزشی
هوانگ و کیم. (۲۰۲۲)	وجود احساس گم‌گشتگی فرهنگی	جکسون و همکاران. (۲۰۲۲) اسمیت و همکاران. (۲۰۱۹)	دسترسی نامناسب به مکان‌های اجتماعی
ودون و تسمپو (۲۰۱۷)	طبقه‌بندی بودن و آپارتمانی بودن مسکن	مارتینز و همکاران. (۲۰۲۰)	دسترسی نامناسب به مراکز آموزشی

1. Chronosystem

2. Urban Loneliness Indicators

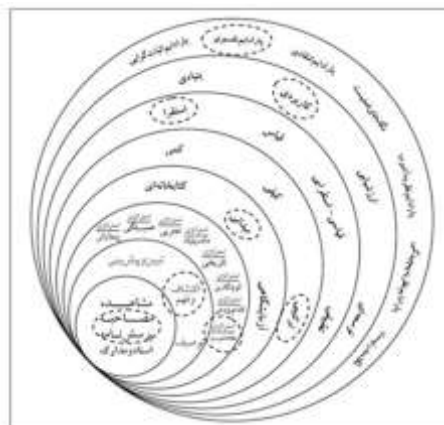
شاخص‌ها		شاخص‌ها	
رفرنس	شاخص	رفرنس	شاخص
		جانسون و دیویس (۲۰۱۸)	
کردان و همکاران (۲۰۱۵) لی و ماهسوران (۲۰۱۰)	پوشش کم درختان، گلکاری و فضای سبز	اسمیت و همکاران (۲۰۱۹) مارتینز و همکاران (۲۰۲۰)	دسترسی نامناسب به فضاهای کودکانه
رو (۲۰۱۳)	دسترسی نامناسب به مناظر طبیعی و جذابیت‌های طبیعی	ویلسون (۲۰۱۲) جکسون (۲۰۱۶)	کمبود روابط اجتماعی در میان همسایه‌ها
ودون و تسمپو (۲۰۱۷)	مالکیت اجاره‌ای مسکن	هوانگ و کیم (۲۰۲۲)	پایین بودن تعداد رویدادهای فرهنگی
هیلیر و هنسون (۱۹۸۴) کارمونا و همکاران (۲۰۱۰)	غلبه توده و حجم بر فضای باز شهر	میلر (۲۰۱۸)	وجود طبقه بندی اجتماعی و اقتصادی
کوهن و ویلز (۱۹۸۵)	پایین بودن تنوع در روابط اجتماعی	ویلسن، تامپسن و دیویس (۲۰۲۱)	وجود یکنواختی بصری
جکسون و همکاران (۲۰۱۵) الدريج و مایر (۲۰۱۵)	پیری جمعیت (بالا بودن میزان جمعیت سالمند و پیر)	تامپسون و میلر (۲۰۲۰)	ارتفاع زیاد ساختمان‌ها
مارموت (۲۰۰۴) ویلکینسون و پیکت (۲۰۰۹)	وجود نابرابری اجتماعی	استگ و همکاران (۲۰۱۲)	روزمرگی در زندگی
کاواچی، کندی، لاکتر، و پروترو-استیت (۱۹۹۷) ون پوپل، ده یونگ گیرفلد و دیکسترا (۲۰۰۰)	بالا بودن مهاجرپذیری شهر	کوتینیو و میچل (۲۰۱۵)	عدم وجود اختلاط در فعالیت‌ها
		سرورو (۱۹۹۶)	بالا بودن تراکم جمعیتی

۳ روش‌شناسی پژوهش

۱-۳ روش پژوهش

از منظر فلسفی، این پژوهش بر پایه پراگماتیسم^۱ و پارادایم تفسیری استوار است. از نظر روش‌شناختی، این پژوهش از نوع آمیخته (ترکیبی) است که در آن از راهبرد ترکیبی متوالی به شیوه اکتشافی و مبتنی بر خط‌مشی اکتشافی مرحله‌ای استفاده شده است. در این راهبرد، از الگوی طرح توصیفی - مرحله‌ای به کار گرفته شده است؛ به این صورت که در بخش کیفی، گردآوری و تحلیل داده‌ها و در بخش کمی، گردآوری، تحلیل داده‌ها و در نهایت تفسیر کلی صورت گرفته است. براساس ماهیت هدف از نوع کاربردی است. و از نظر ماهیت روش از نوع توصیفی و تحلیلی است. در گردآوری داده‌های مربوط به ادبیات، پیشینه و شاخص‌های پژوهش از روش کتابخانه‌ای و برای سنجش و ارزیابی شاخص‌های شناسایی شده از روش میدانی و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. در تحزیه و تحلیل داده‌ها از مدل‌ها و تکنیک‌های آماری شامل آزمون فریدمن و آزمون اکتشافی تحلیل

خوشه‌ای در نرم افزار SPSS استفاده شده است. در شکل زیر لایه‌های پژوهش تحت عنوان پیاز پژوهش از دیدگاه فلسفی حاکم تا روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها ارائه شده است

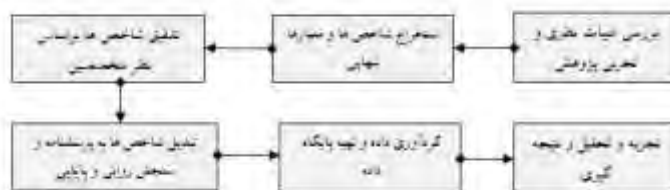


شکل (۲): مدل پیاز فرایند پژوهش (برگرفته از: دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳)

۲-۳ مدل مفهومی و فرایندی پژوهش

به منظور استخراج شاخص‌های و معیارهای تنهایی محیطی در گام اول ادبیات نظری و ادبیات تجربی مرتبط با موضوع بررسی گردید. فرایند استخراج شاخص‌ها در این گام به شرح زیر بوده است:

۱. شناسایی ادبیات مرتبط با تنهایی: با استفاده از پایگاه‌های داده علمی، مقالات، کتاب‌ها و سایر منابع مرتبط را شناسایی گردید.
 ۲. بررسی منابع: با بررسی منابع مرتبط مفاهیم، مدل‌ها و متغیرهای کلیدی آنها شناسایی شد.
 ۳. تعیین شاخص‌های اولیه: بر اساس مفاهیم و متغیرهای شناسایی شده، شاخص‌های اولیه استخراج گردید.
 ۴. تطبیق شاخص‌ها با چارچوب نظری: سپس سازگاری شاخص‌های انتخاب شده با چارچوب نظری پژوهش ارزیابی گردید.
- در مرحله بعد، با مشورت و نظرخواهی از متخصصان و صاحب‌نظران، این شاخص‌ها دقیق‌تر شدند. سپس بر اساس شاخص‌های نهایی، پرسشنامه‌ای تهیه گردید که روایی و پایایی آن مورد ارزیابی قرار گرفت. پس از آن، داده‌ها از جامعه هدف گردآوری شد. داده‌های جمع‌آوری شده بر اساس مدل مفهومی پژوهش که در شکل شماره ۲ ارائه شده است، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت تا روابط میان متغیرهای مختلف و تأثیر آنها بر ایجاد یا تشدید تنهایی شهری مشخص گردد. روند انجام این پژوهش در شکل شماره ۳ به صورت مدل فرآیندی نمایش داده شده است.



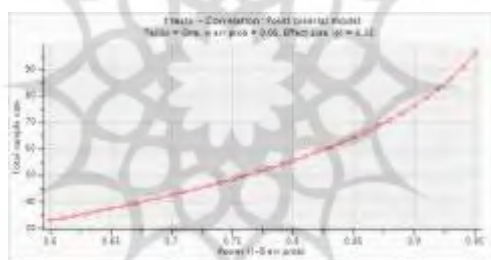
شکل (۳): فرایند انجام پژوهش



شکل (۴): مدل مفهومی پژوهش

۳-۳ جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری پژوهش با بررسی سوابق تجربی و علمی گروه هدف شامل متخصصان و خبرگان حوزه های روان شناسی، جامعه شناسی، علوم اجتماعی، معماری، شهر سازی، روان شناسی اجتماعی و غیره بوده است. در انتخاب حجم نمونه آماری از نرم افزار جی پاور^۱ استفاده شده است. برای این اساس مطابق با نوع آزمون های مورد استفاده در تحلیل داده ها، ضریب تاثیر ۰.۳۲ و توان ۹۵ درصد، حجم نمونه ۹۷ نفر بدست آمده است. در این پژوهش تعداد ۱۰۰ مورد پرسشنامه جهت رسیدن به نتیجه بهتر توزیع شده است. بنابراین حجم نمونه نهایی ۱۰۰ نفر در نظر گرفته شد. با توجه به جامعه آماری خبرگان، از روش نمونه گیری گلوله برفی برای توزیع پرسشنامه استفاده شد؛ به این صورت که افراد متخصص با تجربه موضوعی، سایر خبرگان را معرفی می کردند و پس از تأیید صلاحیت آن ها، پرسشنامه در اختیارشان قرار می گرفت.



شکل (۵): محاسبه حجم نمونه با نرم افزار جی پاور

۴-۳ روایی و پایایی ابزار پژوهش

در بررسی روایی ابزار پژوهش، از نظرات متخصصین حوزه مورد مطالعه استفاده شد و برای سنجش پایایی ابزار از روش آلفای کرونباخ بهره گرفته شد. مقدار ضریب آلفا برابر با ۰.۸۳ و در حالت استاندارد شده ۰.۸۳ است. با توجه به اینکه این مقادیر بالاتر از ۰.۷ هستند، می توان نتیجه گرفت که پایایی ابزار در وضعیت مطلوبی قرار دارد.

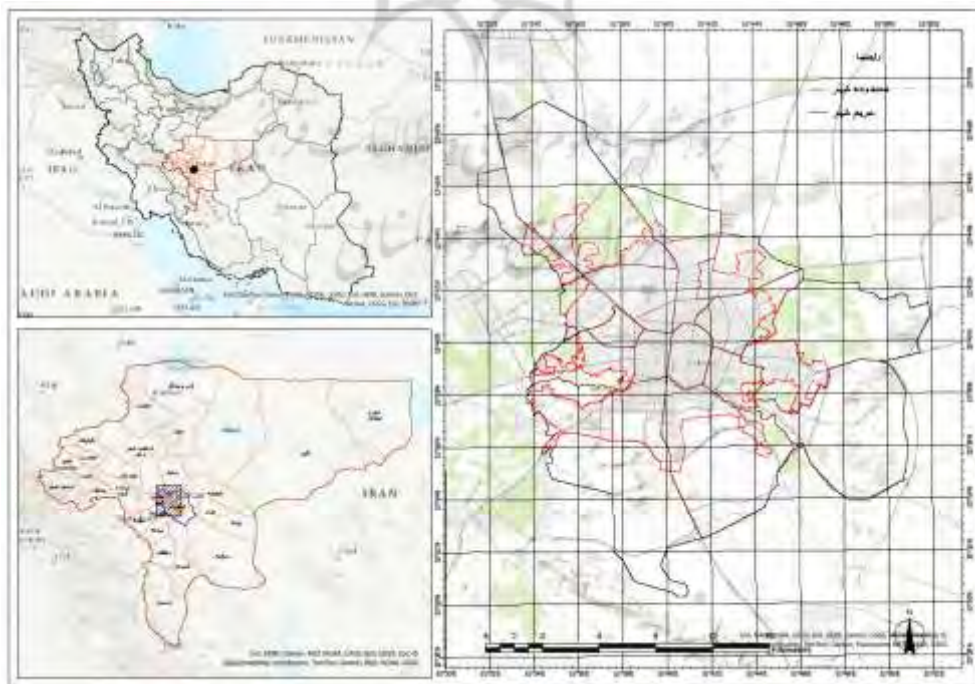
جدول (۳): ضریب آلفای کرونباخ

ضریب الفا	ضریب آلفای استاندارد شده	تعداد
۰.۸۳۲	۰.۸۳۷	۲۳

۱. جی پاور (G*Power) یک نرم افزار آماری است که برای انجام تحلیل قدرت آماری (statistical power analysis) طراحی شده است. این نرم افزار توسط دانشگاه دوسلدورف توسعه یافته و به طور گسترده ای در تحقیقات علمی و آکادمیک مورد استفاده قرار می گیرد.

۳-۵ قلمرو مکانی پژوهش

شهر اصفهان، یکی از کلان‌شهرهای تاریخی و فرهنگی ایران، در مرکز فلات ایران واقع شده است. این شهر در مختصات جغرافیایی ۳۲ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۴۶ دقیقه عرض شمالی و ۵۱ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۴۸ دقیقه طول شرقی قرار دارد. موقعیت جغرافیایی اصفهان در حاشیه کویر مرکزی ایران، سبب شکل‌گیری اقلیمی خشک و نیمه‌بیابانی شده است. اقلیم اصفهان بر اساس طبقه‌بندی کوپن، جزو اقلیم‌های خشک (BSk) محسوب می‌شود. شهر اصفهان بر اساس طبقه‌بندی اقلیمی Irmo Climate دارای اقلیم فراخشک است. بر اساس بررسی‌های اقلیمی این سه دهه، شهر اصفهان در فصل زمستان دارای اقلیم نیمه خشک تا نیمه خشک ملایم و در فصل بهار و تابستان دارای اقلیم فراخشک و در فصل پاییز دارای اقلیم خشک می‌باشد. میانگین بارندگی سالانه در این شهر در دوره بلند مدت (۱۹۵۱-۲۰۱۵) ۱۲۷ میلی‌متر است که نشان‌دهنده شرایط کم‌باران و خشک منطقه است. توزیع بارش‌ها نیز نامنظم بوده و عمدتاً در فصول سرد سال رخ می‌دهد. در سال ۱۹۵۴ بیشترین بارش (۳۳۸.۸ میلی‌متر) در سال ۱۹۶۰ کمترین بارش (۴۰.۳ میلی‌متر) روی داده است. بر اساس بررسی‌های بلندمدت آماری (۱۹۵۱-۲۰۱۵) میانگین سالانه دمای اصفهان ۱۶.۴ درجه سانتی‌گراد است. دمای هوا در اصفهان تغییرات قابل توجهی را در طول سال تجربه می‌کند. در فصل تابستان، دمای هوا به طور میانگین به ۳۵-۴۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد و در برخی روزها حتی از ۴۰ درجه نیز فراتر می‌رود. در مقابل، زمستان‌های اصفهان نسبتاً سرد است و دما گاهی به زیر صفر درجه سانتی‌گراد می‌رسد. اختلاف دمای شب و روز، به ویژه در فصول گرم، قابل توجه و گاهی تا ۲۰ درجه سانتی‌گراد است. میانگین ماهانه رطوبت نسبی هوا طبق آمار بلندمدت (۱۹۵۱-۲۰۱۵) ۳۸.۷ درصد است میانگین حداقل رطوبت نسبی تقریباً ۲۳ درصد و میانگین حداکثر ۵۷.۶ درصد است. رطوبت نسبی هوا در اصفهان، به خصوص در فصول گرم سال، بسیار پایین است و گاهی به کمتر از ۲۰ درصد می‌رسد. (اداره کل هواشناسی استان اصفهان ۱۳۹۵)



شکل (۶): موقعیت محدوده مورد مطالعه

۴ یافته‌های پژوهش

۴-۱ ویژگی‌های عمومی نمونه آماری

در این پژوهش، نمونه آماری متشکل از ۱۰۰ نفر از متخصصان و صاحب‌نظران در حوزه‌های مطالعات شهری و پدیده تنهایی بود. از این تعداد، ۶۹ درصد را زنان و ۳۱ درصد نیز مردان بوده‌اند. ۷۴ درصد از کل پاسخ‌گویان در گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال و ۱۲ درصد در گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ سال قرار داشته‌اند. ۲۹ درصد از آنها دکترای تخصصی و ۷۱ درصد نیز دارای مدرک کارشناسی ارشد مرتبط با حوزه پژوهش بوده‌اند.

جدول (۴): آمار توصیفی نمونه آماری

جنس	تعداد (تن)	درصد %
زن	۶۹	۶۹ %
مرد	۳۱	۳۱ %
گروه سنی	کمتر از ۳۰ سال	۹ %
	از ۳۰ تا ۴۰ سال	۷۴ %
	از ۴۰ تا ۵۰ سال	۱۲ %
	از ۵۰ تا ۶۰ سال	۲ %
تحصیلات	بالای ۶۰ سال	۳ %
	دکتری	۲۹ %
	کارشناسی ارشد	۷۱ %

۴-۲ رتبه بندی عوامل ایجاد تنهایی در شهر اصفهان براساس آزمون فریدمن

جدول ۴ نتایج حاصل از تحلیل و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ایجاد احساس تنهایی در شهر اصفهان را نمایش می‌دهد. این تحلیل با استفاده از آزمون آماری فریدمن^۱ انجام شده است. این آزمون یک روش آماری ناپارامتریک است که برای مقایسه و رتبه‌بندی چندین گروه وابسته به کار می‌رود. با توجه اینکه سطح معناداری آزمون فریدمن کمتر از ۰.۰۵ شده است بنابراین تفاوت بین رتبه‌ها از نظر آماری معنادار است. براین اساس:

- **دسترس نامناسب به مکان‌های اجتماعی:** با میانگین رتبه ۱۶.۷۴ به عنوان اولین عامل در ایجاد احساس تنهایی در شهر شناخته شده است. مهمترین عامل در ایجاد احساس تنهایی شهری، دسترسی نامناسب به مکان‌های اجتماعی و عمومی است. فضاهای عمومی شهری، از جمله پارک‌ها، میادین، مراکز تفریحی و فرهنگی، نقشی حیاتی در بافت اجتماعی شهرها ایفا می‌کنند. این مکان‌ها به عنوان کانون‌های تعامل اجتماعی عمل می‌کنند و فرصت‌های ارزشمندی برای برقراری ارتباط، گفتگو و ایجاد پیوندهای اجتماعی میان شهروندان فراهم می‌آورند. در واقع، این فضاها نقش "**سالن اجتماعات**" شهر را بازی می‌کنند و به شهروندان امکان می‌دهند تا فارغ از تفاوت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، با یکدیگر تعامل و ارتباط مؤثر داشته باشند. این تعاملات می‌تواند از برخوردهای ساده روزمره تا مشارکت در رویدادهای اجتماعی و فرهنگی - مذهبی را شامل شود. با این حال، کمبود یا نبود چنین فضاهایی در شهرها می‌تواند پیامدهای منفی قابل توجهی به همراه داشته باشد:

1. Friedman test

✓ محدودیت در روابط اجتماعی: فقدان مکان‌های مناسب برای گردهمایی و تعامل، فرصت‌های ارتباطی شهروندان را کاهش می‌دهد.

✓ افزایش انزوای اجتماعی: بدون وجود فضاهای عمومی جذاب و در دسترس، افراد ممکن است بیشتر در خانه‌ها یا محیط‌های کاری محدود بمانند.

✓ تشدید احساس تنهایی: محدودیت در تعاملات اجتماعی و افزایش انزوا می‌تواند منجر به تقویت احساس تنهایی در میان شهروندان شود.

• **وجود نابرابری اجتماعی^۱** با میانگین رتبه ۱۶.۷۰ در رتبه دوم قرار دارد. نابرابری در دسترسی به فرصت‌ها و منابع، نقشی کلیدی در ایجاد و تشدید احساس تنهایی در میان شهروندان ایفا می‌کند. این مسئله به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل شناسایی شده است، که اهمیت عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه امکانات را در سلامت روانی و اجتماعی جامعه برجسته می‌سازد. وجود نابرابری اجتماعی، که به عنوان دومین عامل مهم در این مطالعه شناخته شده، ابعاد گسترده‌تری از این مشکل را آشکار می‌کند:

۱. نابرابری در دسترسی به امکانات شهری: این می‌تواند شامل دسترسی نامتوازن به خدمات آموزشی، بهداشتی، حمل و نقل عمومی، و فضاهای تفریحی و فرهنگی باشد.

۲. تفاوت در کیفیت خدمات: حتی در صورت وجود خدمات، ممکن است کیفیت آن‌ها در مناطق مختلف شهر متفاوت باشد، که این امر می‌تواند احساس تبعیض را تشدید کند.

۳. محدودیت در فرصت‌های اجتماعی: نابرابری می‌تواند منجر به محدودیت در دسترسی به فرصت‌های شغلی، تحصیلی و اجتماعی برای برخی گروه‌ها شود.

مجموعه این عوامل می‌تواند به تشدید احساس تنهایی محیطی و انزوا شهری در میان افراد و گروه‌های آسیب‌پذیر منجر شود.

• **پایین بودن تنوع در روابط اجتماعی** با میانگین رتبه ۱۴.۵۲ در رتبه سوم قرار دارد. تنوع در روابط اجتماعی، یکی از عوامل کلیدی در پیشگیری از احساس تنهایی و انزوای اجتماعی است. این مفهوم به معنای برقراری و حفظ ارتباطات معنادار با طیف گسترده‌ای از افراد از پیشینه‌های متفاوت اجتماعی، فرهنگی، سنی و حرفه‌ای است. فقدان این تنوع در روابط اجتماعی می‌تواند پیامدهای در پی داشته باشد از جمله در صورت تغییر شرایط زندگی یا از دست دادن ارتباط با گروه محدود فعلی، فرد ممکن است با خلأ اجتماعی شدیدی و افزایش احتمال تنهایی مواجه شود.

• **روزمزگی در زندگی** با میانگین رتبه ۱۳.۸۳ در رتبه چهارم قرار دارد. زندگی بدون تنوع و چالش می‌تواند پیامدهای روانی و اجتماعی قابل توجهی برای افراد به همراه داشته باشد. این وضعیت، که اغلب با عنوان **"یکنواختی زندگی"** شناخته می‌شود، می‌تواند منجر به مجموعه‌ای از احساسات و رفتارهای منفی شود این شرایط افراد را از تعاملات محیطی - تعامل با طبیعت، انسان‌ها و انسن ساخت‌ها - دور می‌کند آنها را به احساس تنهایی شهری سوق دهد. تکرار مداوم فعالیت‌های روزانه و فقدان تنوع و هیجان در زندگی حتی اگر فرد از نظر فیزیکی تنها نباشد می‌تواند منجر به احساس کسالت و پوچی و در نهایت تنهایی شود.

• **وجود طبقه بندی اجتماعی و اقتصادی^۲**: تفکیک اجتماعی - اقتصادی در جوامع شهری یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل در حوزه برنامه‌ریزی شهری و جامعه‌شناسی است. این پدیده، که به جداسازی فیزیکی و اجتماعی افراد بر اساس وضعیت اقتصادی و طبقه اجتماعی اشاره دارد، می‌تواند پیامدهای عمیق و گسترده‌ای بر ساختار جامعه و روابط بین افراد داشته باشد تفکیک افراد بر

1. Social Inequality

2. Socioeconomic Classification

اساس طبقه اجتماعی و اقتصادی می تواند منجر به ایجاد حس جدایی و عدم تعلق در افراد شود. افراد طبقه پایین ممکن است به دلیل محدودیت های مالی و اجتماعی، فرصت های کمتری برای تعامل با دیگران داشته باشند.

• **از جنبه محیطی،** کمبود فضاهای سبز، پوشش گیاهی و مناظر طبیعی در محیط شهری، به همراه دسترسی محدود به امکانات تفریحی مانند فضاهای بازی کودکان و مراکز ورزشی، می تواند به شکل قابل توجهی احساس انزوا و تنهایی را در میان شهروندان تشدید کند. این کمبودها، کیفیت زندگی شهری را به شدت کاهش داده و فرصت های تعامل اجتماعی و فعالیت های بدنی را محدود می سازند. محیط های شهری فاقد فضاهای سبز و امکانات مناسب، به جای اینکه محلی برای آرامش و نشاط باشند، به محیط هایی تبدیل می شوند که احساس تنهایی و افسردگی را تقویت می کنند.

در نتیجه، برای کاهش احساس تنهایی در شهرها، لازم است رویکردهای جامعی در نظر گرفته شود که هم جنبه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و هم ابعاد محیطی و کالبدی را در بر می گیرد. توسعه فضاهای عمومی و اجتماعی، ارتقای کیفیت محیط زیست شهری، کاهش نابرابری ها و افزایش تعامل و مشارکت شهروندان در فعالیت های مختلف، می تواند گام های مؤثری در این راستا باشند.

جدول (۵): رتبه بندی عوامل ایجاد تنهایی در شهر اصفهان براساس آزمون فریدمن

رتبه	Mean Rank	
۱	۱۶.۷۴	دسترسی نامناسب به مکان های اجتماعی
۲	۱۶.۷۰	وجود نابرابری اجتماعی
۳	۱۴.۵۲	پایین بودن تنوع در روابط اجتماعی
۴	۱۳.۸۳	روزمرگی در زندگی
۵	۱۳.۵۶	وجود طبقه بندی اجتماعی و اقتصادی
۶	۱۳.۰۷	پوشش کم درختان، گلکاری و فضای سبز
۷	۱۳.۰۵	دسترسی نامناسب به فضاهای کودکان
۸	۱۲.۶۸	دسترسی نامناسب به مناظر طبیعی و جذابیت های طبیعی
۹	۱۲.۵۸	پیری جمعیت (بالا بودن میزان جمعیت سالمند و پیر)
۹	۱۲.۵۸	وجود احساس گمگشتگی فرهنگی
۱۱	۱۲.۴۷	عدم وجود اختلاط در فعالیت ها
۱۲	۱۲.۱۸	کمبود روابط اجتماعی در میان همسایه ها
۱۳	۱۲.۱۷	پایین بودن تعداد رویدادهای فرهنگی در شهر
۱۴	۱۲.۱۱	دسترسی نامناسب به مراکز ورزشی
۱۵	۱۱.۲۱	دسترسی نامناسب به مراکز آموزشی
۱۶	۱۱.۰۲	غلبه توده و حجم بر فضای باز شهر
۱۷	۱۱.۰۱	مالکیت اجاره ای مسکن
۱۸	۱۰.۱۵	وجود یکنواختی بصری
۱۹	۱۰.۱۳	از بین رفتن ارتباط فرد با فرهنگ سنتی
۲۰	۹.۰۵	بالا بودن مهاجرپذیری شهر
۲۱	۸.۹۵	ارتفاع زیاد ساختمان ها
۲۲	۸.۵۸	طبقاتی بودن و آپارتمانی بودن مسکن
۲۳	۷.۷۲	بالا بودن تراکم جمعیتی

جدول (۶): معناداری آزمون فریدمن

	Test Statistics ^a
100	N
315.956	Chi-Square
22	df
0.000	Asymp. Sig.
	a. Friedman Test

۳-۴ خوشه بندی عوامل ایجاد تنهایی در شهر اصفهان

تحلیل خوشه‌ای^۱ یکی از روش‌های قدرتمند در علم داده کاوی است که به منظور شناسایی الگوها و ساختارهای نهفته در داده‌ها به کار می‌رود. در این روش، داده‌ها بر اساس ویژگی‌های مشترک به گروه‌هایی تقسیم می‌شوند که به آن‌ها خوشه گفته می‌شود. هر خوشه شامل داده‌هایی است که بیشترین شباهت را به یکدیگر و کمترین شباهت را به داده‌های سایر خوشه‌ها دارند. این روش نه تنها برای تجزیه و تحلیل داده‌های کمی، بلکه برای کشف مضامین در داده‌های کیفی نیز مفید است. تحلیل خوشه‌ای عوامل ایجاد تنهایی در شهر اصفهان نشان داد که می‌توان ۲۳ عامل شناسایی شده تنهایی شهری را در ۵ خوشه به عنوان مضمون یا مفهوم مشترک دسته‌بندی و ارایه کرد. این مضامین یا مفاهیم مشترک بر اساس عوامل موجود در هر خوشه استخراج شده‌اند و در واقع در خروجی تحلیل به عنوان یک خوشه شناسایی شده‌اند. خوشه‌ها یا مضامین مشترک شناسایی شده شامل موارد زیر هستند:

۱. محرومیت اجتماعی

۲. فقدان انسجام: گسست تار و پود جامعه

۳. فشاری بر روح و روان

۴. شهر بی‌روح: در جستجوی هویت و پویایی

۵. سیمای مدرن، قلبی غریبه: چالش‌های هویت در شهر مهاجرنشین

تفسیر هر یک از مفاهیم، خوشه‌ها یا مضامین استخراج شده به شرح زیر است:

■ **محرومیت اجتماعی:** محرومیت اجتماعی همچون چتری نامرئی بر سر بسیاری از ساکنان شهر گسترده شده است و تار و پود زندگی آنان را به دنیای تاریک انزوا و تنهایی می‌کشانند. این پدیده نه تنها از دید عمومی پنهان می‌ماند، بلکه تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر روان و روابط اجتماعی افراد دارد دسترسی نامناسب به مکان‌های اجتماعی، مراکز آموزشی، فضاهای کودکان و مراکز ورزشی، دیواری بلند بین افراد و فرصت‌های تعامل، یادگیری و رشد ایجاد کرده است. نابرابری اجتماعی، شکاف عمیقی بین طبقات جامعه ایجاد کرده و افراد را از یکدیگر دور می‌کند. کمبود روابط اجتماعی در میان همسایه‌ها، حس تعلق و همبستگی را از بین می‌برد و افراد را در "**جزایر تنهایی**" خود رها می‌کند. پایین بودن تعداد رویدادهای فرهنگی در شهر، فرصت‌های تفریح و سرگرمی و ارتباط‌های خودآگاه و ناخودآگاه را از بین می‌برد و به روزمرگی و یکنواختی در زندگی شهری دامن می‌زند. گمگشتگی فرهنگی، ریشه در فقدان هویت و ارزش‌های مشترک دارد. افراد در این شرایط، احساس تعلق به هیچ گروه یا جامعه‌ای ندارند و در دریای بی‌کران تنهایی غرق می‌شوند.

■ **فقدان انسجام: گسست تار و پود جامعه:** گسست در بافت اجتماعی، جداسازی فضایی و عملکردی شهرها، و زندگی در حباب‌های اجتماعی، همگی به ایجاد موانع نامرئی بین شهروندان منجر شده و فرصت‌های تعامل طبیعی و خودجوش را کاهش داده‌اند. عدم وجود اختلاط در فعالیت‌ها، مانع از تعامل و همبستگی می‌شود. افراد در این شرایط، در حباب‌های خود زندگی

می کنند و هیچ ارتباطی با دنیای بیرون ندارند. از بین رفتن ارتباط فرد با فرهنگ سنتی، ریشه در فرآیند جهانی شدن و مدرنیزاسیون دارد. این تغییرات موجب می شوند افراد هویت و ارزش های خود را از دست بدهند و در جستجوی جایگزین هایی برای آنها برآیند. گسست تار و پود جامعه شهری باعث ایجاد **"خلأ وجودی"** و احساس پوچی در زندگی شهروندان می شود.

■ **فشاری بر روح و روان:** زندگی در مناطق پر تراکم شهری چالش های متعددی را برای سلامت جسمی و روانی افراد به همراه دارد. در محیط های متراکم، کمبود فضای شخصی و خصوصی، افراد را در معرض استرس مداوم قرار می دهد. این استرس، همراه با آلودگی های صوتی و بصری، می تواند به تدریج توان روانی افراد را تحلیل می برد. از سوی دیگر، پارادوکس زندگی در میان انبوه جمعیت اما احساس تنهایی عمیق، ناشی از فقدان ارتباطات معنادار و عمیق است. افراد، علیرغم احاطه شدن توسط دیگران، اغلب فاقد پیوندهای عاطفی و اجتماعی قوی هستند. با افزایش تراکم جمعیت، انسان در حباب های فردی خود محصور می شود، افراد اغلب در گیر زندگی روزمره خود می شوند و تعاملات اجتماعی کاهش می یابد. این بی تفاوتی نسبت به دیگران، به نوعی **"حجاب ذهنی"** تبدیل می شود که مانع از برقراری روابط اجتماعی عمیق و معنادار می شود.

حجاب بی تفاوتی، سپری روانی است که شهرنشینان در مواجهه با انبوه محرک های شهری و تعاملات اجتماعی مداوم سطحی ایجاد می کنند. این مکانیسم دفاعی، اگرچه در ابتدا برای حفظ آرامش ذهنی و مقابله با اضطراب ناشی از ازدحام شکل می گیرد، اما به تدریج می تواند به سدی در برابر ارتباطات معنادار تبدیل شود. با افزایش تراکم جمعیت در شهرها، افراد به طور مداوم در معرض تعاملات سطحی و گذرا قرار می گیرند. این وضعیت، پارادوکسی عمیق ایجاد می کند: حضور فیزیکی در میان انبوه جمعیت، همراه با احساس عمیق تنهایی و انزوا. حجاب بی تفاوتی در این شرایط، به عنوان مکانیسمی برای حفظ فاصله عاطفی و روانی عمل می کند، اما همزمان مانعی برای شکل گیری روابط عمیق و معنادار می شود.

■ **شهر بی روح: در جستجوی هویت و پویایی:** در کلان شهرهای امروزی، با افزایش جمعیت و ساخت و سازهای بی رویه، فضایی سرد و بی روح حاکم شده است. غلبه بتن و آهن بر طبیعت، کاهش فضاهای سبز و افزایش فاصله های اجتماعی، به تدریج حس تعلق و پیوند افراد به محیط اطراف را تضعیف کرده است، در این شهرهای بی روح، غلبه توده و حجم ساختمان ها بر فضاهای باز شهری، نه تنها منجر به کاهش تعاملات اجتماعی شده، بلکه تنوع روابط انسانی را نیز به شدت محدود کرده است. این امر، همراه با پدیده پیری جمعیت در بسیاری از شهرها، فضایی را ایجاد کرده که در آن، احساس تنهایی به تجربه ای رایج بدل شده است. در این شرایط محیط شهر چون **"بیابان بتنی"** است که فضای آن خشک و بی جان است و در آن زندگی رو به زوال می رود طبقه بندی های اجتماعی و اقتصادی، همچون **"قفس های ذهنی"**، شکاف های عمیقی میان ساکنان شهر ایجاد کرده اند.

این جدایی گزینی اجتماعی، فرصت های تعامل بین گروه های مختلف را کاهش داده و تشدید احساس تنهایی دامن می زند. یکنواختی بصری و فقدان تنوع در طراحی شهری، روح و طراوت را از فضاهای شهری ربوده است. این امر، همراه با کمبود فضاهای سبز، پوشش ناکافی درختان و گل کاری ها، و دسترسی محدود به مناظر و جاذبه های طبیعی، محیطی خسته کننده و افسرده کننده را برای ساکنان ایجاد کرده است. چنین محیطی نه تنها از لحاظ زیبایی شناختی نامطلوب است، بلکه تأثیرات منفی عمیقی بر سلامت روان و ایجاد احساس تنهایی شهروندان می گذارد. مسئله مالکیت اجاره ای مسکن نیز به این چالش ها می افزاید. عدم احساس تعلق به محل سکونت و ناپایداری در اقامت، مانعی جدی برای شکل گیری روابط پایدار همسایگی و حس تعلق به اجتماع محلی است. این امر، احساس ریشه دار بودن و هویت مکانی را تضعیف می کند و به تنهایی بیشتر افراد می انجامد.

شهری که فاقد هویت و پویایی باشد، در واقع فاقد قلب تپنده و روح زنده است. چنین شهری نه تنها مکانی مناسب برای زندگی نیست، بلکه به مثابه زندانی بی روح عمل می کند که ساکنانش را در دام تنهایی، ناامیدی و بی تفاوتی گرفتار می سازد. این وضعیت می تواند منجر به افزایش مشکلات روانی، کاهش مشارکت اجتماعی، و در نهایت، تضعیف انسجام و همبستگی اجتماعی شود.

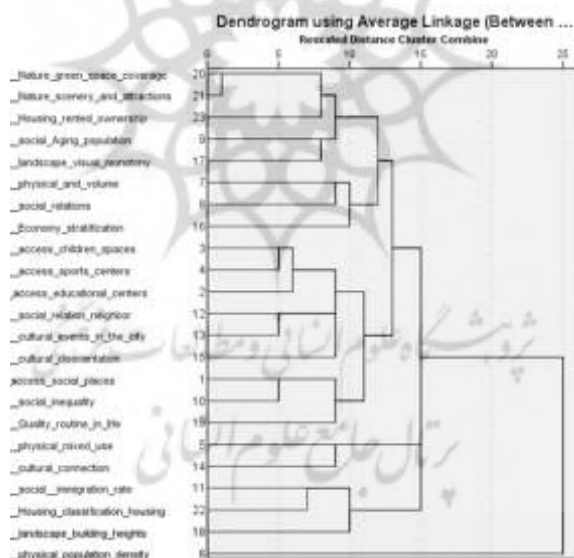
■ **سیمای مدرن، قلبی غریبه: چالش های هویت در شهر مهاجرنشین:** شهرهای مدرن، با مهاجرپذیری بالا، ارتفاع زیاد ساختمان ها و طبقاتی بودن و آپارتمانی بودن مسکن، چهره ای متمایز از گذشته خود به خود گرفته اند. بالا رفتن تعداد مهاجران در شهر، اغلب با بحران عمیق هویت و از دست رفتن حس تعلق به مکان و جامعه جدید مواجه می شوند. تفاوت های فرهنگی، زبانی و اجتماعی، فرآیند سازگاری با محیط جدید را برای آنها به چالشی دشوار و گاه طاقت فرسا تبدیل می کند. این عدم تعلق، می تواند به تنهایی اجتماعی عمیق منجر شود. مهاجرت به شهرهای بزرگ، اغلب با از دست دادن هویت محلی و حس تعلق همراه است. سرعت تغییرات شهری و جابجایی مداوم ساکنان، پیوندهای عاطفی با مکان را سست می کند. از بین رفتن نشانه های آشنای محلی و دگرگونی سریع چهره شهرها، حس بیگانگی را در ساکنان تشدید می کند. این امر به ویژه برای مهاجرانی که از محیط های کوچک تر و سنتی تر آمده اند، چالش برانگیز است.

ساختار فیزیکی و سیمای شهرهای مدرن، با آپارتمان های بلندمرتبه و فضاهای عمومی محدود، امکان شکل گیری روابط همسایگی و اجتماعی سنتی را کاهش داده است. این امر به ویژه برای مهاجرانی که از جوامع با پیوندهای اجتماعی قوی تر آمده اند، می تواند شوک آور و منزوی کننده باشد. آپارتمان های طبقاتی و برج های مسکونی، گرچه راه حلی برای اسکان جمعیت انبوه هستند، اما به "انزوا و تنهایی عمودی" دامن می زنند. ساکنان این سازه ها، علی رغم مجاورت فیزیکی، اغلب از یکدیگر بی خبر و جدا زندگی می کنند. فقدان فضاهای مشترک و محدودیت تعاملات روزمره، حس اجتماع محلی را که زمانی در محله های سنتی رواج داشت، کمرنگ کرده است. ساختار عمودی شهر، ارتباطات افقی و چهره به چهره را محدود می کند. ساکنان، علی رغم نزدیکی فیزیکی، از نظر اجتماعی از هم دور می شوند. فضاهای مشترک محدود در این ساختمان ها، فرصت های تعامل اجتماعی را کاهش می دهد. ترکیب این عوامل - مهاجرپذیری بالا، ساختمان های بلند و مسکن آپارتمانی - به ایجاد فضایی می انجامد که در آن، علی رغم تراکم بالای جمعیت، افراد احساس تنهایی و انزوا می کنند. این پارادوکس "تنهایی در جمع" را می توان جوهره اصلی تنهایی شهری دانست. در نتیجه، "سیمای مدرن، قلبی غریبه" تصویری نمادین از تضاد میان پیشرفت ظاهری و پسرفت روابط انسانی در شهرهای معاصر است. این تضاد، ریشه اصلی تنهایی شهری است که امروزه به یکی از چالش های اساسی زندگی شهری تبدیل شده است.

جدول (۷): خوشه بندی و استخراج مفاهیم مشترک

خوشه	خوشه ۱	خوشه ۲	خوشه ۳	خوشه ۴	خوشه ۵
مفهوم مشترک	محرومیت اجتماعی	فقدان انسجام: گسست تار و پود جامعه	فشاری بر روح و روان	شهر بی روح: در جستجوی هویت و پویایی	سیمای مدرن، قلبی غریبه: چالش های هویت در شهر مهاجرنشین
عوامل محیطی	- دسترسی نامناسب به مکان های اجتماعی - دسترسی نامناسب به مراکز آموزشی	عدم وجود اختلاط در فعالیت ها	بالا بودن تراکم جمعیتی	- غلبه توده و حجم بر فضای باز شهر - پایین بودن تنوع در روابط اجتماعی	- بالا بودن مهاجرپذیری شهر - ارتفاع زیاد ساختمان ها - طبقاتی بودن و آپارتمانی بودن مسکن

• دسترسی نامناسب به فضاهای کودکانه • دسترسی نامناسب به مراکز ورزشی • وجود نابرابری اجتماعی • کمبود روابط اجتماعی در میان همسایه ها • پایین بودن تعداد رویداد های فرهنگی در شهر • وجود احساس گمگشتگی فرهنگی • روزمرگی در زندگی	• از بین رفتن ارتباط فرد با فرهنگ سنتی	• پیری جمعیت (بالا بودن میزان جمعیت سالمند و پیر) • وجود طبقه بندی اجتماعی و اقتصادی • وجود یکنواختی بصری • پوشش کم درختان، گلکاری و فضای سبز • دسترسی نامناسب به مناظر طبیعی و جذابیت های طبیعی • مالکیت اجاره ای مسکن	
---	--	--	--



شکل (۷): خوشه بندی

۵ نتیجه گیری

انسان موجودی اجتماعی است، روابط اجتماعی قوی ترین منبع برای رفاه و سلامتی انسان به شمار می رود، زمانی که روابط بین فردی از لحاظ کمی (مانند اندازه شبکه، تعداد دوستان) و/یا کیفی (مانند نزدیکی رابطه، اعتماد، صمیمیت) ناکافی تلقی شوند، انسان احساس تنهایی می کند. تنهایی نوعی احساس رنج و درد است که بر اثر اختلال در روابط فرد با دیگران پدید می آید، یکی از مهمترین چالش های قرن ۲۱ در همه ی کشورها به خصوص کشورهای توسعه یافته است که تاثیر زیادی بر سلامت روان و

کیفیت زندگی انسان دارد. در عصر مدرن با وجود پیشرفت فناوری و افزایش ارتباطات مجازی، بسیاری از افراد احساس تنهایی و انزوا می‌کنند. این احساس منجر به افزایش افسردگی، اضطراب، مرگ، بیماری قلبی و سایر مشکلات روانی و جسمانی شده است. در این پژوهش، عوامل مؤثر بر ایجاد احساس تنهایی در شهر اصفهان تحلیل و تفسیر شد. در گام نخست، با بررسی جامع پیشینه تحقیق در این حوزه و مرور منابع معتبر علمی، عوامل مختلف شناخته شده در ارتباط با احساس تنهایی در محیط‌های شهری شناسایی و استخراج گردید. پس از آن، به منظور گردآوری داده‌های میدانی مرتبط با موضوع پژوهش در شهر اصفهان، از روش پرسشنامه استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش را خبرگان حوزه‌های مرتبط با روانشناسی اجتماعی و شهرسازی تشکیل می‌دادند. پرسشنامه‌های تکمیل شده، با استفاده از آزمون‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های حاصل از این فرآیند، امکان شناسایی و اولویت بندی عوامل کلیدی ایجاد کننده احساس تنهایی در شهر اصفهان را فراهم آورد. این پژوهش می‌تواند زمینه ساز اقدامات اصلاحی و برنامه ریزی‌های شهری برای کاهش این مشکل باشد.

نتایج نشان می‌دهد که عواملی مانند دسترسی نامناسب به مکان‌های اجتماعی، وجود نابرابری اجتماعی، پایین بودن تنوع در روابط اجتماعی، روزمرگی در زندگی، وجود طبقه بندی اجتماعی و اقتصادی و پوشش کم درختان، گلکاری و فضای سبز در شهر، دسترسی نامناسب به فضاهای کودکان، دسترسی نامناسب به مناظر طبیعی و جذابیت‌های طبیعی از عوامل مهم در ایجاد و تشدید احساس تنهایی در شهر هستند. و برای کاهش احساس تنهایی در شهرها، لازم است رویکردهای جامعی در نظر گرفته شود که هم جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی و هم ابعاد محیطی و کالبدی را در بر می‌گیرد. توسعه فضاهای عمومی و اجتماعی، ارتقای کیفیت محیط زیست شهری، کاهش نابرابری‌ها و افزایش تعامل و مشارکت شهروندان در فعالیت‌های مختلف، می‌تواند گام‌های مؤثری در این راستا باشند. همچنین تحلیل اکتشافی مضامین با استفاده از تحلیل خوشه‌ای نیز نشان داد که ۲۳ عامل شناسایی شده در زمینه احساس تنهایی در شهر را می‌توان در ۵ مفهوم محرومیت اجتماعی، فقدان انسجام، گسست تار و پود جامعه، فشاری بر روح و روان، شهر بی روح: در جستجوی هویت و پویایی، و سیمای مدرن، قلبی غریبه: چالش‌های هویت در شهر مهاجرنشین دسته بندی نمود.

تطبیق نتایج این پژوهش با نظریه بوم‌شناختی برونفنبرنر نشان می‌دهد که تنهایی پدیده‌ای چندبعدی است که صرفاً به تجربیات فردی محدود نمی‌شود. این نظریه چارچوبی نظام‌مند برای درک تأثیر محیط‌های گوناگون بر رشد فردی ارائه می‌دهد. یافته‌های پژوهش تأیید می‌کند که احساس تنهایی تحت تأثیر شبکه پیچیده‌ای از روابط محیطی و اجتماعی در فضای شهری قرار دارد، و تحلیل‌ها آشکار ساخت که چگونه فشارهای محیطی شهر می‌توانند به انزوا و تنهایی افراد منجر شوند.

مقایسه نتایج این پژوهش با مطالعات پیشین، بیانگر آن است که تنهایی همواره به عنوان احساسی ناخوشایند شناخته شده که تأثیرات منفی بر وضعیت روحی، روانی و جسمانی افراد می‌گذارد. عواملی چون انزوا، سن، جنسیت، مهاجرت و شرایط اقتصادی در شکل‌گیری این احساس نقش داشته‌اند. یافته‌های این پژوهش در دو حوزه با مطالعات قبلی همسو است: نخست در زمینه ارتباط با طبیعت که با پژوهش‌های اول ساکس و همکاران درباره "اثربخشی شیوه‌های تجویز اجتماعی مبتنی بر طبیعت برای مبارزه با تنهایی" مطابقت دارد، و دوم در حوزه فضاهای عمومی و اجتماعی که با پژوهش جینگ جینگ، دیوید کانتر و تیگران هاس با عنوان "بررسی رابطه بین تنهایی و فضای عمومی" همخوانی نشان می‌دهد. با این حال، این پژوهش تفاوت اساسی با مطالعات پیشین دارد؛ در حالی که پژوهش‌های دیگر بیشتر بر جنبه‌های روان‌شناختی، روان‌شناسی فردی و ویژگی‌ها و شرایط خاص افراد تمرکز داشته‌اند. تفاوت اصلی این پژوهش با پژوهش‌های پیشین در این است که این مطالعه دیدگاهی جامع و تازه نسبت به عوامل ایجاد تنهایی در محیط شهری ارائه می‌دهد و بر شرایط محیطی زندگی انسان در شهر به عنوان عاملی مؤثر در بروز تنهایی تأکید می‌کند. این تمرکز

بر عوامل محیطی، تمایز اساسی این پژوهش با سایر مطالعات محسوب می‌شود. یکی از نوآوری‌های این پژوهش، تمرکز بر نقش تعیین‌کننده محیط شهری در ایجاد و تشدید احساس تنهایی است. این در حالی است که پژوهش‌های پیشین اغلب این جنبه مهم را نادیده گرفته و بیشتر بر عوامل درون‌فردی تأکید داشته‌اند. این پژوهش با پر کردن این شکاف در دانش موجود، زمینه را برای مداخلات مؤثرتر در سطح شهر و جامعه فراهم می‌کند. این رویکرد، برخلاف پژوهش‌های تک‌بعدی پیشین، امکان بررسی تأثیر متقابل عوامل مختلف و ارائه راهکارهای چندوجهی را فراهم می‌سازد. این پژوهش با ارائه شواهدی مبنی بر تأثیر مستقیم محیط شهری بر احساس تنهایی، پیامدهای مهمی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری دارد. نتایج این مطالعه می‌تواند به مدیران و طراحان شهری در ایجاد فضاهایی سالم‌تر، پویاتر و اجتماعی‌تر کمک کند و در نهایت، به کاهش احساس تنهایی در جامعه منجر شود. بر اساس یافته‌های این مطالعه، برای مقابله و کاهش اثرات محیطی شهر اصفهان در احساس تنهایی راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- توسعه و ایجاد فضاهای اجتماعی در شهر اصفهان: توسعه فضاهای عمومی مانند پارک‌ها، میدان‌ها و کتابخانه‌ها می‌تواند فرصتی برای تعاملات اجتماعی و کاهش احساس تنهایی فراهم کند.
 - ترویج تنوع در روابط اجتماعی شهروندان اصفهان: تشویق به فعالیت در گروه‌های اجتماعی، باشگاه‌ها و انجمن‌ها می‌تواند به افراد کمک کند تا با افراد جدید با علایق مشابه آشنا شوند.
 - برنامه ریزی در توسعه و ایجاد تنوع در زندگی ساکنین شهر اصفهان: شرکت در فعالیت‌های مختلف، سفر و تجربه چیزهای جدید می‌تواند به افراد کمک کند تا از روزمرگی در زندگی رهایی یابند.
 - کاهش نابرابری‌های اجتماعی در پهنه شهر اصفهان: ایجاد فرصت‌های برابر برای همه افراد در دسترسی به آموزش، شغل و خدمات اجتماعی می‌تواند به کاهش تنهایی ناشی از نابرابری‌ها کمک کند.
 - حفظ و تقویت هویت فرهنگی و تاریخی شهر اصفهان: حفظ و ترویج فرهنگ و سنت‌های محلی می‌تواند به افراد حس تعلق و هویت را القا کند و از تنهایی آنها بکاهد.
- به طور کلی برای مقابله با تنهایی محیطی در شهرها به ویژه شهر اصفهان، برنامه ریزان شهری، طراحان و سیاستگذاران باید راهبردهایی را در نظر بگیرند که ارتباطات اجتماعی را تقویت کرده، احساس تعلق به جامعه را پرورش دهند و فضاهای عمومی فراگیر و پذیرا ایجاد نمایند. این امر ممکن است شامل بازطراحی فضاهای شهری برای تشویق تعامل اجتماعی، ایجاد مراکز و اماکن اجتماعی، افزایش دسترسی و قابلیت پیاده روی، و ترویج توسعه کاربری مختلط زمین باشد. شناخت نقش محیط ساخته شده در شکل دهی تجربیات تنهایی افراد و لحاظ کردن راهکارهایی برای مقابله با این مسئله در فرایندهای برنامه ریزی و طراحی شهری، امری حیاتی است. با ایجاد شهرهای منسجم‌تر و دارای ارتباطات اجتماعی بیشتر، می‌توان رفاه و کیفیت زندگی کلی ساکنان شهری را بهبود بخشید.

منابع

۱. ابراهیمی، نازیلا و دیگران (۱۳۹۹). عوامل و زمینه‌های احساس تنهایی زنان (یک مطالعه پدیدارشناسی). *فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه*. ۱۱ (۱)، ۲۸-۱.
۲. ایمان زاده، علی؛ علیپور، سریه (۱۳۹۸). تجربه زیسته کودکان کار شهر تبریز از احساس تنهایی؛ مطالعه به روش پدیدارشناختی. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*. ۸ (۲)، ۳۰۴-۲۹۷.

۳. حسینی، محمدرضا؛ حسینی زاده آرانی، سیدسعید؛ محمدی، محسن (۱۳۹۷). تنهایی در شهر: بررسی تجربه‌ی زیسته‌ی احساس تنهایی و ارتباط آن با میزان رضایت از زندگی در میان شهروندان بالغ شهر تهران. *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*. ۹ (۲۹)، ۵۱-۲۶.
۴. خدابخشی، محمد؛ رجایی، زهرا (۱۳۶۲). *از بین بردن شهرهای ایران توسط معماران*. لندن: اکسفورد.
۵. دانایی فرد، حسن؛ الوانی، مهدی؛ آذر، عادل (۱۳۸۳). *روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع*. تهران: صفار، اشرافی.
۶. سلیمانی مهرنجانی، محمد و دیگران (۱۳۹۵). زیست‌پذیری شهری: مفهوم، ابعاد و شاخص‌ها. *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*. ۴ (۱)، ۵۰-۲۷.
۷. سودانی، منصور؛ شعاعیان، منصور؛ نیسی، عبدالکاظم. (۱۳۹۱). اثربخشی معنا درمانی گروهی بر احساس تنهایی مردان بازنشسته. *پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*. ۲ (۲)، ۵۴-۴۳.
۸. شالچی، سمیه (۱۳۹۷). *انزوای اجتماعی، توسعه‌یافتگی مناطق شهری و پایگاه اقتصادی و اجتماعی در تهران*. فصلنامه علوم اجتماعی. ۳ (۸۱)، ۳۵-۱.
۹. صالحی تیلکی، عیسی و دیگران (۱۳۹۸). مقایسه احساس تنهایی و عوامل مرتبط با آن در سالمندان شهری و روستایی شهرستان بهشهر. *سالمندشناسی*. ۳ (۴)، ۶۱-۵۲.
۱۰. عبدالهی، علی اصغر؛ حسن‌زاده، مرتضی (۱۳۹۵). شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های سازنده برنامه‌ریزی شهری در زیست‌پذیری شهری (مطالعه موردی: مناطق چهارگانه شهر کرمان). *مطالعات نواحی شهری*. ۳ (۹)، ۱۲۳-۱۰۳.
۱۱. کرمی، علی (۱۳۹۸). *مطالعه‌ی پدیدارشناختی تجربه‌ی سالمندی در وضعیت تنهایی در بین زنان شهر بوکان*. رساله دکتری. گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور. تهران. ایران.
۱۲. کلاتتری، عبدالحسین؛ حسینی زاده آرانی، سیدسعید (۱۳۹۶). روابط اجتماعی در جامعه‌ی شهری: بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر احساس تنهایی (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*. ۶ (۲)، ۲۸۳-۲۵۷.
۱۳. کلاتتری، عبدالحسین؛ حسینی زاده آرانی، سیدسعید (۱۳۹۴). شهر و روابط اجتماعی: بررسی ارتباط میان میزان انزوای اجتماعی و سطح حمایتی اجتماعی دریافتی با میزان تجربه احساس تنهایی (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی). *مطالعات شهری*. ۵ (۱۶)، ۸۷-۱۱۸.
۱۴. یاری قلی، وحید؛ احدنژاد روست، محسن؛ سجادی، ژیل (۱۳۹۸). تحلیل و ارزیابی شاخص‌های زیست‌پذیری در نواحی شهری مطالعه موردی: نواحی ۲۳ گانه شهر زنجان. *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*. ۹ (۳۴)، ۱۴۸-۱۳۲.
15. Alonso, J et al (2004). Prevalence of mental disorders in Europe: Results from the European study of the Epidemiology of Mental Disorders (ESEMeD) project. *Acta Psychiatrica Scandinavica*. 109 (s420), 21-27. <https://doi.org/10.1111/j.1600-0047.2004.00327.x>
16. Axelrod, R. & Hamilton, W. D. (1981). The evolution of cooperation. *Science*. 211 (4489), 1390-1396.
17. Baumeister R. F. & Leary M. R. (1995). The need to belong: Desire for interpersonal attachment as a fundamental human motivation. *Psychological Bulletin*. 117 (3), 497-529. 10.1037/0033-2909.117.3.497
18. Bennett, K.; Gualtieri, T. & Kazmierczyk, B. (2018). Undoing solitary urban design: a review of risk factors and mental health outcomes associated with living in social isolation. *Journal of Urban Design and Mental Health*. 1 (4), 1-7.
19. Berg-Weger, M. & Morley, J. (2020). Loneliness in old age: An unaddressed health problem. *J Nutr Health Aging*. 24 (3), 243-245. doi: 10.1007/s12603-020-1323-6. PMID: 32115602; PMCID: PMC7223173.
20. Bones Rocha, K. et al (2010). Prevalencia de problemas de salud mental y su asociación con variables socioeconómicas, de trabajo y salud: Resultados de la Encuesta Nacional de Salud de España. *Psicothema*. 22 (3), 389-395.
21. Cacioppo, J. T.; Hawkley, L. C. & Thisted, R. A. (2010). Perceived social isolation makes me sad: 5-year cross-lagged analyses of loneliness and depressive symptomatology in the Chicago Health, Aging, and Social Relations Study. *Psychology and Aging*. 25 (2), 453-463. <https://doi.org/10.1037/a0017216>

22. Cacioppo, J.; Larsen, F. & Lasgaard, M. (2016). Do stress, health behavior, and sleep mediate the association between loneliness and adverse health conditions among older people? *Soc Sci Med.* 152, 80-86. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2016.01.020>
23. Chow, S.; Wong, F. & Choi, E. (2021). Loneliness in old age, the related factors, and its association with demographics and districts of residence. *Int J Environ Res Public Health.* 18 (17), 9398. doi: 10.3390/ijerph18179398.
24. Cohen, S. (2004). Social relationships and health. *American Psychologist.* 59, 676–684. 10.1037/0003-066X.59.8.676
25. Courtin, E. & Science, P. (2017). Social isolation, loneliness and health in old age: a scoping review. *Health and Social Care in the Community.* 25 (3), 799–812. doi: 10.1111/hsc.12311
26. de Jong Gierveld, J. (1987). Developing and testing a model of loneliness. *Journal of Personality and Social Psychology.* 53 (1), 119-128. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.53.1.119>
27. Ernst, J. M. & Cacioppo J. T. (1999). Lonely hearts: Psychological perspectives on loneliness. *Applied and Preventive Psychology.* 8, 1–22. 10.1016/S0962-1849(99)80008-0
28. Gehtman, R. (1965). Urban loneliness. Social theory and practice. 12 (1), 51-69.
29. Benjamin, W. (1969). *The Flâneur. In The Arcades Project.* Harvard: Harvard University Press.
30. Gusmano, M. & Rodwin, V. (2010). Urban aging, social isolation, and emergency preparedness. *Global Ageing.* 6 (2), 39-50.
31. Guthmuller, S. (2022). Loneliness among older adults in Europe: The relative importance of early and later life conditions. *PLoS One.* 17 (5), e0267562. doi: 10.1371/journal.pone.0267562.
32. Hartup, W. W. & Stevens, N. (1997). Friendships and adaptation in the life course. *Psychological Bulletin.* 121, 355–370. 10.1037/0033-2909.121.3.355
33. Havens, B. et al (2004). Social isolation and loneliness: Differences between older rural and urban manitobans. *La Revue Cdu Vieillessement.* 23 (2), 129-140. <https://doi.org/10.1353/cja.2004.0022>
34. Hawkey, L. C. & Cacioppo, J. T. (2010). Loneliness matters: A theoretical and empirical review of consequences and mechanisms. *Annals of Behavioral Medicine.* 40, 218–227. 10.1007/s12160-010-9210-8
35. Holt-Lunstad, J. et al (2015). Loneliness and social isolation as risk factors for mortality: A meta-analytic review. *Perspectives on Psychological Science.* 10 (2), 227-237. <https://doi.org/10.1177/1745691614568352>
36. House, J. S.; Landis, K. R. & Umberson, D. (1988). Social relationships and health. *Science.* 241, 540–545. <http://www.jstor.org/stable/1701736>
37. Scharf, T. & De Jong, J. (2008). Loneliness in urban neighbourhoods: an Anglo-Dutch comparison. *European Journal of Ageing.* 5 (2), 103-115. 10.1007/s10433-008-0080-x.
38. Jing, J.; Canter, D. & Haas, T. (2019). Conceptualizing public space using a multiple sorting task–exploring the links between loneliness and public space. *Journals Urban Science.* 3 (4), 1-22. <https://doi.org/10.3390/urbansci3040107>
39. Karmakar, A. & Raychaudhuri, S. (2015). Loneliness & depression: An urban syndrome? *The International Journal of Indian Psychology.* 2 (4), 174-182.
40. Kessel, A. et al (2018). The urban environment and loneliness: A cross-sectional study. *BMC Public Health.* 18 (1), 1-12.
41. Cauter, L. & Lefebvre, M. (2020). *Loneliness in the City: A Socio-Spatial Theory.* U.K.: Routledge.
42. Lee, J. & Tan, T. (2019). Neighborhood walkability or third places? Determinants of social support and loneliness among older adults. *Journal of Planning Education and Research.* 43 (2), 0739456X1987029 10.1177/0739456X19870295
43. Liang, X.; Liu, Y. & Qiu, T. (2020). Livability assessment of urban communities considering the preferences of different age groups. *Complexity.* 3, 1-15. <https://doi.org/10.1155/2020/8269274>
44. Macdonald, S.; Nixon, J. & Deacon, L. (2018). Loneliness in the city: Examining socio-economics, loneliness and poor health in the North East of England. *Public Health.* 165, 88-94. <https://doi.org/10.1016/j.puhe.2018.09.003>
45. Magdalena, M. et al (2019). Do physical activity, social cohesion, and loneliness mediate the association between time spent visiting green space and mental health? *Environment and Behavior.* 51 (2), 144-166. <https://doi.org/10.1177/0013916517738563>
46. Martín-María, N. et al (2020). Differential impact of transient and chronic loneliness on health status. A longitudinal study. *Psychology Health.* 35 (2), 177-195. <https://doi.org/10.1080/08870446.2019.1632312>

47. Marziali, R. A. et al (2024). Reducing loneliness and social isolation of older adults through voice assistants: Literature review and bibliometric analysis. *Journal of Medical Internet Research*. 26, e50534. <https://doi.org/10.2196/50534>
48. Muir, J. & McGratha, L. (2018). Life lines: Loss, loneliness and expanding meshworks with an urban Walk and Talk group. *Health & Place*. 53, 164-172. <https://doi.org/10.1016/j.healthplace.2018.08.007>
49. Perlman, D. & Peplau, L. A. (1981). Toward a social psychology of loneliness. Duck, N. & Gilmour, R. (Eds.). *Personal Relationships*. Londo: Academic Press.
50. Qualter, P. & Munn, P. (2002). The separateness of social and emotional loneliness in childhood. *J. Child Psychol. Psychiatry Allied Discip.* 43, 233-244. doi:10.1111/1469-7610.00016.
51. Russell, D.; Peplau, L.A. & Ferguson, M.L. (1978). Developing a measure of loneliness. *J. Personal.* 42, 290-294. doi:10.1207/s15327752jpa4203_11
52. Sachs, A. L. et al (2024). Connecting through nature: A systematic review of the effectiveness of nature-based social prescribing practices to combat loneliness. *Landscape and Urban Planning*. 248, 105071. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2024.105071>.
53. Savikko, N. et al (2005). Predictors and subjective causes of loneliness in an aged population. *Archives of Gerontology and Geriatrics*. 41 (3), 223-33. doi: 10.1016/j.archger.2005.03.002 .
54. Scharf, T. & Jenny de Jong , G. (2008). Loneliness in urban neighbourhoods: an Anglo-Dutch comparison. *European Journal of Ageing*. 5, 103-115. 10.1007/s10433-008-0080-x
55. Sheldon, J. H. (1948). *The Social Medicine of Old Age*. Oxford: Oxford University Press.
56. Surkalim, D.L. et al (2022). The prevalence of loneliness across 113 countries: systematic review and meta-analysis. *BMJ*. 376, e067068. doi:10.1136/bmj-2021-067068.
57. Xiaoming , T. (2010). Loneliness: A psychological turning point in the reconstruction of the urban order in China. *Social Sciences in China*. 31 (4), 147-164. <https://doi.org/10.1080/02529203.2010.524384>.
58. Xiaoming, T. (2010). Loneliness: A psychological turning point in the reconstruction of the urban order in China. *Social Sciences in China*. 31 (4), 147-164. doi:<https://doi.org/10.1080/02529203.2010.524384>.

